

گزارشی از روستای قلعه‌چنغان در جنوب شرق اهواز

زندگی در فقر و بیماری

کنار لوله‌های نفت و کارخانه‌ی فولاد

| ۷ |

قطعی برق  
آب

اینترنت

واکسیناسیون... مسئله فقط این‌ها نیست...

| ۲ |

سه راه برای توقف فرسودگی روانی  
ناشی ازدورکاری

کاروکسب | ۶

بدهکارترین کشورهای  
جهان کدامند؟

اقتصاد جهان | ۵

فشارهای حقوقی بر باینتس؛  
خطر در کمین معامله‌گران ایرانی؟

ارز دیجیتال | ۴

صفزیک

## سؤالات «حکمرانی واکسن کرونا»



محمدفاضلی | عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۶. اگر واکسن‌های اطلاع‌رسانی شده فقط طرح‌های تحقیقاتی بوده‌اند چرا اطلاع‌رسانی در خصوص آن‌ها بر محور ایجاد امید به تولید واکسن داخلی برای واکسیناسیون میلیون‌ها ایرانی صورت گرفته است؟

۷. اگر زیرساخت صنعتی لازم برای تولید واکسن در داخل وجود نداشته و پیش‌بینی می‌شده که فعالیت در سطح تحقیقاتی باقی بماند یا تولید صنعتی آن مستلزم همکاری فناورانه با طرف‌های خارجی باشد، چرا اطلاع‌رسانی چنان انجام شده که انتظار تولید صنعتی و واکسینه شدن میلیون‌ها نفر با واکسن ایرانی ایجاد شد؟

۸. تعارض منافع شرکت‌ها و مؤسسات تحقیقاتی یا تولیدکننده داخلی واکسن، با راهبرد همکاری فناورانه و تأمین واکسن از طریق واردات چه سهمی در پیدایش وضعیت فعلی دسترسی به واکسن داشته است؟

۹. سیاست اطلاع‌رسانی زودهنگام در خصوص واکسن‌های در مرحله تحقیقات و کارآزمایی (Trial) و قول دادن در خصوص زمان دقیق تولید واکسنی که در مرحله کارآزمایی است، کجا و با چه هدفی تنظیم شده بود؟

۱۰. ظرفیت تولید داخلی – به شرط تبدیل شدن همه مورد‌های تحقیقاتی به محصولات صنعتی با تولید انبوه – چقدر برآورد شد، با چه مقدار ریسک و احتمال خطای برآورد، و چه تأثیری بر سیاست واردات واکسن خارجی باقی گذاشت؟

۱۱. چه اصولی بر سیاست واکسیناسیون حاکم بوده است؟ آیا راهبرد تزریق بر اساس گروه‌های سنی مناسب‌ترین بوده است؟ آیا با توجه به مرزهای گسترده ایران و تفاوت‌های محلی زیاد در الگوهای مراقبت شخصی و ابتلا به بیماری، راهبردهایی نظیر واکسیناسیون گسترده در مرزها یا بر اساس گروه‌های شغلی، بهتر نمی‌بود؟

۱۲. آیا با توجه به نقش زمان‌بندی و ضرورت واکسیناسیون تعداد زیادی از شهروندان در مدت زمان کوتاه برای قطع زنجیره انتقال، راهبرد وضعیت فعلی تأمین (از طریق تولید یا واردات) واکسن، قادر است چشم‌انداز امیدبخشی برای بازگشت به زندگی عادی در بازه زمانی مناسبی ایجاد کند؟

این‌ها بخشی از سؤالاتی است که از منظر سیاست و منافع عمومی، می‌توان از سیاست‌گذاران بهداشت و درمان پرسید. پاسخ دادن و نه بر حذر داشتن از پرسش است که امید به بهبود خلق می‌کند.

هر وقت مقرراتی وضع می‌کنید که قادر به اجرای آن نیستید؛ و هر وقت وعده‌ای می‌دهید که قادر به تحقق آن نیستید، بخشی از اعتبار خود را از دست می‌دهید. اما مدیران وقتی وعده‌ای می‌دهند که قادر به عملی کردن آن نیستند، فقط اعتبار خودشان را از دست نمی‌دهند بلکه بخشی از اعتماد عمومی را که دارای مشترک همه است نابود می‌کنند.

سؤال از فرایند سیاست‌گذاری، تا تصمیم‌سازی، تحقیقات، تولید و اطلاع‌رسانی درباره واکسن کرونا، از این منظر که بر اعتماد عمومی تأثیر داشته و دارد، و هم از آن جهت که منابع عمومی برای آن صرف شده است، حق شهروندی همه ایرانیان است.

چندین سؤال هم از همین منظر درخصوص کل فرایندهای مربوط به مختلف کرونا در ایران وجود دارد که با پاسخ دادن به آن‌ها شاید بشود راهی به سوی آینده بهتر برای سیاست علم، فناوری و صنعت در ایران گشود و برای بهبود وضع فعلی هم اندیشه کرد.

۱. سیاست تحقیقاتی و سیاست صنعتی برای تحقیقات و تولید واکسن کرونا چه بوده، کجا بررسی و تصویب شده، متن مصوب این سند چیست و چگونه اجرایی شده است؟

۲. هدف سیاست رسمی در خصوص واکسن، ظرفیت‌سازی تحقیقاتی، تولید صنعتی برای نیاز داخل و صادرات، یا هر دو بوده است؟

۳. همکاری فناورانه با کشورهای خارجی - به‌طور مشخص چین و روسیه - برای تولید واکسن مشترک یا تولید انبوه واکسن خارجی (نظیر راهبرد هند در تولید انبوه واکسن‌های خارجی که تحقیق و توسعه آن‌ها در هند انجام نشده است) در سیاست واکسن کشور چه جایگاه، موانع یا دست‌آوردهایی داشته است؟

۴. واکسن‌هایی که با اسامی مختلف تحت عنوان واکسن ایرانی در دستور کار قرار گرفته و تولید آن‌ها رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی شده، پروژه‌های صرفاً تحقیقاتی برای توسعه زیرساخت پژوهشی بوده‌اند یا از ابتدا با هدف تولید صنعتی در نظر گرفته شده‌اند؟

۵. چرا علی‌رغم محدودیت‌های زیرساخت، منابع و شرایط تحریم شدید، فعالیت در زمینه تحقیقات یا تولید صنعتی چندین گونه واکسن، در دستور کار قرار گرفته است؟ آیا برنامه منظم و سنجیده‌ای بر این سیاست حاکم بوده یا محصول عوامل دیگری است؟

## ما جنگاوران یا ما حق خواهان؟



امیر ناظمی | رئیس سازمان فناوری ارتباطات

به سایر شاخص‌های جهانی (از اقتصاد گرفته تا فناوری) رتبه‌ای مناسب است و به هر تقدیر از رتبه نوآوری با رقابت‌پذیری یا شاخص‌های اقتصادی‌مان بهتر یا حتی بسیار بهتر.

اما مشاهده وضعیت نمودار راداری ایران نشان می‌دهد که زیرساخت حقوقی ما می‌تواند نقطه کلیدی برای توسعه این بخش باشد. در حقیقت این که در ایران ما قوانینی داشته باشیم که داده عمومی را تعریف و صیانت کند، یا حتی رفتارهای منجر به رخنه و نفوذ در بانک‌های داده‌ای جرم‌انگاری شود یا حریم خصوصی تعریف شود؛ می‌تواند به دنبال خود مجموعه‌ای از تغییرات را به همراه داشته باشد.

در حقیقت کشورهایی که وضعیت مناسب دارند، در برخورداری از قوانین و زیرساخت حقوقی به صورت مشترک پیشرو هستند. شاید جالب باشد که شما نمی‌توانید کشور ببایید که توانمندی و ظرفیت فنی‌اش توسعه یافته باشد؛ اما زیرساخت حقوقی‌اش نه!

**توصیه‌ای برای دولت آینده**

امیدوارم راهبرد آیندگان و سیاست‌گذاران دوره پیش رو تقویت این بخش باشد. با آن که از روز نخست تصدی‌ام لایحه «صیانت از داده عمومی» که مشابه با GDPR اروپا بود را برای دولت فرستادیم، اما تا همین امروز نتوانستیم دولت، مجلس و قوه قضاییه را به اهمیت و اولویت این امر راضی کنیم.

شاید توان اقناع‌سازی ما کم بوده است؛ شاید اولویت‌های دیگر مهم‌تر بوده‌اند و شاید تصویب چنین قوانینی نیازمند ظرفیت‌های بالاتری برای حکمرانی و حکمرانان باشد؛ در هر صورت امیدوارم اکنون که این لایحه تصویب لازم را برای طرح در مجلس گرفته است، در روزهای آینده به عنوان یک اولویت در دستور کار قرار گیرد.

**آزمون تداعی**

یکی از تکنیک‌های روانکاوی که یونگ معرفی کرد و پس از او گالتون آن را توسعه داد، آزمون تداعی واژگان است. روانکاو فهرستی از واژه‌ها را می‌خواند و از ما انتظار دارد نخستین واژه‌ای که در ذهن ما تداعی می‌شود را بیان کنیم؛ مثلاً می‌گوید فرزند و نخستین واژه‌ای که ما بیان می‌کنیم نشان‌دهنده بسیاری از پیش‌فرض‌ها و چارچوب‌های شناختی ماست.

حالا فکر می‌کنم اگر همین تکنیک را در حوزه فناوری اطلاعات و اکوسیستم‌استارت‌آپی به کار ببریم و واژه «امنیت سایبری» را بگوییم نخستین واژه‌ای که تداعی می‌شود؛ همین گروه را به دو بخش تقسیم می‌کند. شما هم لطفاً نخستین واژه‌ای که به ذهن‌تان می‌رسد را در ذهن یادداشت کنید.

گروه نخست کسانی هستند که یاد واژه‌هایی مانند فایروال و رخنه و جاسوسی و دفاع و جنگ و اتک و هک و ... می‌افتند. این نگاه امنیتی و فنی است.

گروه دوم کسانی هستند که واژه‌هایی مانند «حریم خصوصی» و «داده عمومی» و «حق شهروندی» و ... می‌افتند؛ واژگانی اغلب غیرفنی و با ارجاع به موضوع اجتماعی و حقوقی. برداشت شخصی من آن است که گروه نخست به شدت در حوزه فناوری اطلاعات غلبه دارند؛ یعنی نوعی نگاه فنی و امنیتی. هر چند ترکیب این دو نگاه است که توازن واقعی را رقم می‌زند؛ اما کم‌رنگ بودن نگاه دوم است که باید برای ما سیاست بسازد.

**راه‌حل در زیرساخت حقوقی**

گزارش امسال امنیت سایبری (GCI) هفته پیش منتشر شد؛ گزارشی که در حقیقت ارزیابی سال ۲۰۲۰ است. در این گزارش ایران ۶ رتبه ارتقاء یافته است و به رتبه ۵۴ جهانی رسیده است؛ رتبه‌ای نه شایسته ایران، اما نسبت



## پُرسان از نظام بودجه‌ریزی ازوزیر اقتصاد

آقای دژپسند اخیرا طی همایشی درباره‌ی ساختار بودجه و وضعیت اختصاص آن صحبت کردن که سوالاتی رو بوجود آورده. ایشان از نهادها یا تشکیلاتی گفتن که به نوعی یک شبه بوجود آمده‌اند و طلب بودجه می‌کنند بدون آنکه خدمات خاصی ارائه دهند. او از تاثیر فرهنگ نفتی در نظام بودجه‌ریزی گفته که به تشکیلاتی بدون توجه به خاستگاه، تاسیس و خدماتی که ارائه می‌دهد صرفا برای کمک بودجه اختصاص داده می‌شود. او از ضرورت جراحی گفته و به دولت سیزدهم پیشنهاد کرده که فلسفه‌ی وجودی بسیاری از واحدهای تشکیلاتی و ردیف‌های بودجه را بررسی کند. باید از آقای دژپسند پرسید:

دولت دودازدهم و وزارتخانه‌ی شما برای فاصله گرفتن یا ممانعت از تداوم «فرهنگ نفتی» در نظام بودجه‌ریزی کشور چه اقداماتی انجام داده است؟

نهادهایی که یک شبه در نظام بودجه‌ریزی وارد می‌شوند کدامند؟ نام‌شان چیست؟ چرا معرفی نمی‌شوند؟

تشکیلات و نهادهای مورد اشاره‌ی آقای دژپسند در چه حوزه‌هایی قرار دارند؟ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا...؟

آیا معرفی نهادهای مورد اشاره امری هزینه‌زاست؟

چند سال است که این رویه در نظام بودجه‌ریزی کشور جاری شده است؟

اگر نظر نهادهای مورد اشاره در نظام بودجه‌ریزی تامین نشود چه اتفاقی می‌افتد؟

آقای دژپسند به عنوان وزیر اقتصاد با چه مواعنی برای مقاومت در برابر خواسته‌ی نهادهای مورد اشاره در بودجه مواجه بوده‌اند؟

آیا درون دولت یا حاکمیت نهادهایی به عنوان ذی نفع این مجموعه‌ها وجود دارند؟

آیا نهادهای بالادستی یا نظارتی از وجود چنین رویه‌ایی در نظام بودجه‌ریزی مطلع هستند یا در طول این سالها در جریان قرار گرفته‌اند؟ اگر نه، چرا و اگر آری نتیجه‌ی آن چه بوده است؟

فواید، عوارض و مضرات ناشی از وجود چنین رویه‌ای در نظام بودجه‌ریزی کشور چیست؟

چند درصد از کلیت بودجه کشور صرف چنین نهادها و تشکیلاتی می‌شود؟

نبود چنین تشکیلاتی در نظام حکمرانی چه فواید یا مضرات و عوارضی دارد؟

## تمرین اقتصادی یک جناح سیاسی

## با تغییر دولت!

مسعود نیلی|اقتصاددان

در کشور ما، یک جناح سیاسی تابه‌حال با این تمرین مواجه نشده که تحقق آرمان‌ها و اهداف بلندمرتبهٔ خود مانند رونق در شرایط تحریم همه‌جانبه، رفع فقر در نبود منابع، ثبات بازار ارز در شرایط کاهش شدید عرضهٔ ارز، حفظ توازن بودجه در شرایط قطع درآمدهای نفتی و غیره را در قالب محدودیت‌های مالی دنبال کند. برای این جناح تنها یک‌بار این اتفاق ورود به قوهٔ مجریه رخ داده است که آن هم در شرایط وفور منابع بوده است. توجه داشته باشیم که سیاست تنها در کورهٔ اقتصاد است که آبدیده می‌شود و مادامی که این آبدیدگی اتفاق نیفتاده باشد، سیاست‌ورزی جای خود را به خیال‌پردازی می‌دهد. یادمان باشد که جناح دیگر سیاسی در حالی که تا قبل از ورود به عرصهٔ اجرایی، تندترین مواضع را در عرصه‌های بین‌المللی و حتی داخلی داشت، با ورود به قوهٔ مجریه و آشناشدن با واقعیت‌های مرتبط با محدودیت منابع، دچار دگرگونی‌هایی بنیادی شد. بخش بزرگی از این تحولات ناشی از آشنایی با موضوعی است به نام «کمیابی منابع». شاید تشکیل دولت سیزدهم، فرصتی مغتنم برای کشور باشد که البته در ادامهٔ مسیر، امکان این یادگیری مهم برای جناح دیگر سیاسی هم فراهم شود و باعث شود که گفتمان سیاسی در کشور ما تا این اندازه واگرأ نباشد. / تجارت فردا

پُرسان

تربیین

## قطعی برق و آب و اینترنت و واکسیناسیون...

# مسئله فقط این‌ها نیست...

مسلمان معبودی

هم هست. کسی که خلاف آنچه گفته شد رفتار می‌کند؛ با عصبیت، تهدید و حرف زور در بهترین حالت توقع دارد که اعضای خانواده او را و شرایط را درک کنند و کمک حال باشند و دم بر نیاورند. واردآمدن فشار تنها روی یک نفر و یا فشار مضاعف آوردن به سایرین در چنین شرایطی فقط یک نتیجه دارد: فروپاشی و خراب شدن سقف روی سر همه.

مسئله اما فقط این‌ها نیست... بگذارید به مثال‌های ملموس‌تری برسیم. از خانه‌ای بگویم که برخی از اهل آن خوابند یا خود را به خواب زده‌اند و یا به شکل عجیبی از بیداری می‌ترسند و گریزان‌اند. دیگران را به تاب‌آوری و تحمل دعوت می‌کنند اما خود... به جای ایجاد گشایش‌ها برای هم‌افزایی و نزدیکی بیشتر، حلقه‌ی نزدیکان و خودی‌ها را آنقدر تنگ کرده‌اند که دیگر آنها که پارسال دوست بودند امسال آشنا هم نیستند! چشم بسته‌اند بر نفوذی‌هایی که در خانه لانه کرده و مراکز حساس آن را هدف گرفته‌اند و برای ساکنان خانه شاخ و شانه می‌کشند! «شرایط خطر» و «برهه حساس کنونی» تنها برای سایرین است و آنها در هر شرایطی نه تغییر رویه می‌دهند و نه زاویه‌ی نگاه‌شان به جهان و اجتماع دستخوش تغییر می‌شود. در هر شرایط و هر برهه‌ای همان‌اند که بودند؛ کوران و کران و خواب‌زدگانی که هزینه‌ی رفتارها و برنامه‌ها و رویکردهای غلط‌شان را یک کشور و یک ملت باید بدهد.

کاش مسئله فقط همین‌ها بود؛ قطع برق و آب و اینترنت و واکسن ... و اما قضیه فراتر از این‌هاست. دیگر فقط نارسایی در انرژی یا قطع ارتباطات و یا عدم تأمین سلامت محل توجه نیست. مسئله عدم باور به توانمندی در مدیریت شرایط و تدبیر امور است. اصطلاحا از چشم افتادن است... رسیدن به این ایده است که مسئول ... نه تنها توانایی پیشبرد و تحقق خواسته‌ها و تأمین نیازها و مدیریت تقاضاها را ندارد بلکه خواسته یا ناخواسته مانع اصلاح رویه‌ها و به خدمت گرفتن تمامی دارایی‌ها و توانمندی‌ها هم شده است. اشتباه نشود. صحبت یک یا دو فرد نیست. حرف از یک مجموعه است. چنین نقطه‌ای حتی اگر هنوز کامل به آن نرسیده باشیم هم به قدری خطرناک هست که بشود درباره‌ی آن هشدار داد.

برای بقا چاره‌ای جز تطبیق‌پذیری، انعطاف و همسویی با تغییرات روزافزون جهان نیست. به جای شعار و ادعای بی‌پشتوانه و واهی، به جای تناقض‌گویی و خودبینی و خودتوجهی و تلف کردن وقت چاره‌ای جز گشایش، جز گذشت و جز هم‌گرایی حقیقی نیست. حماقت‌ها و شعبده‌بازی‌ها و بی‌عرضگی‌ها به قدر کافی باعث تلف شدن وقت و منابع و اعتبارات شده‌اند. اقدام شجاعانه در پذیرش ضرورت تغییری عمیق و همسو با نیازهای زمانه و اقدام مؤثر برای آن است نه صرفا در رجزخوانی برای دوستان و دشمنان.

«گنبد حرارتی» عنوانی است که متخصصان هواشناسی به علت پدیده‌ی گرمای فزاینده‌ی تجربه شده در این روزهای نقاط مختلف زمین اطلاق کرده‌اند. به گفته‌ی یکی از خبرگزاری‌ها «از ونکوور تا خوزستان» تحت تاثیر این افزایش درجه حرارت قرار دارند. مگس هرا، تاریخ‌دان اقلیمی، درباره این موج گرمایی در تویتتر خود نوشته بود: «خاورمیانه و مرکز آسیا با خشن‌ترین موج گرمایی تاریخ برای این وقت از سال روبه‌رو شده‌اند.» تغییر اقلیم و گرمایش زمین علت اصلی ظاهری این پدیده عنوان شده‌آن هم برای بشری که گاهی با این نام‌گذاری‌های سطحی خیال خود را بابت «شناخت» پدیده‌ها راحت می‌کند. اما در عین حال در همین حال که نقاطی از کره زمین درجه حرارت بالای ۵۰ درجه را تجربه می‌کنند، نقاطی دیگر دچار بارش‌های تابستانی شده‌اند! باران و تگرگ در تابستان در شمال ایران هم باریده‌اند. انگار زمین به شکلی غیر قابل پیش‌بینی بر خلاف سناریوهای از پیش تعیین‌شده رفتار می‌کند. امری که برای گروهی از محققان حوزه تغییرات اقلیمی هم تکان‌دهنده بوده و فراتر از دانش در دسترس آنها رخ می‌دهد. به واقع همانطور که گفته شده «زمین دیگر مثل گذشته رفتار نمی‌کند...» و در شمایل فردی عصیانگر در مقابل بشر قرار گرفته است.

قضیه فقط این‌ها نیست. برای موجودی که روی چنین سیاره‌ای در حال گذران امور است مگر می‌شود تأثیرپذیری از آن وجود نداشته باشد؟ آیا می‌شود در خانه‌ای که در حال سوختن است آرام نشست؟ البته برای بشری که انگار همه چیز را حتما باید با چشم ببیند تا باور کند به نظر هنوز آتشی در کار نیست! اما احوالات درونی افراد و ملت‌ها آیا می‌تواند از طبیعت پیرامون‌شان منفک شود؟ برافر وختگی، خشم یا بی‌خیالی و افسردگی افراد چقدر شبیه احوالات این روزهای زمین است؟ البته که تایید این گزاره به معنای نفی عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر شرایط امروز نیست اما...

قضیه فراتر از این‌هاست... سر کردن در شرایط بغرنج یا بحرانی آدابی دارد. لااقل در فرهنگ ایرانی چنین چیزی به وفور تجربه شده است. در شرایطی این چنین وقتی خانواده‌ای در بحران است، منشی که بر تنش‌ها دامن زند و اوضاع را از آنچه هست بدتر کند چندان معقول نیست. اعضای خانواده ملاحظه‌ی هم را می‌کنند، بر زخم‌ها نمک نمی‌پاشند اگر که در درمان و بهبودشان نمی‌توانند نقشی ایفاکنند. اگر مسئول خانواده به هر دلیل در بهبود شرایط ناتوان است می‌داند که نمی‌تواند و نباید با زور و درفش سایرین را زیر سقف یا دور سفره بنشاند و نگه دارد. می‌داند که اولویت‌های زندگی تغییر کرده و سختگیری‌های همیشگی‌اش گوش شنوایی نخواهد یافت. او اول از همه خود را با شرایط موجود تطبیق می‌دهد و سایرین را به ضرورت تطبیق‌پذیری سوق می‌دهد و جلب می‌کند. اما نمونه‌های خلاف عقل

کشته‌شدن این فقرا را باد سال‌ها با خود می‌برد، آیا گلوبی نیست که سوختگی برای آنان باشد؟! از آنجا که این قشر نگون‌بخت از خانواده‌های دهک‌های اقتصادی پایین جامعه هستند و خون‌خواهان‌شان نیز از فقرای جامعه هستند می‌طلبد که دیگر اقشار و اصناف جامعه به تظلم‌خواهی آنان ورود پیدا کنند و کارگزاران حکومتی هم‌با در نظر گرفتن واقعیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی، انتظار می‌رود بازنگری در سیاست‌های خود را در دستور کار قرار دهند و توحش کشتن کولبران را خاتمه دهند. در سیاست‌های کنترل مرزها بازنگری کنند و مبتنی بر واقعیات همه جانبه، تصمیم‌های در خوری را اتخاذ کنند.

بی‌شک نگاه سیاست‌گزاران کلان کشوری به مرزهای غربی و اساسا مناطق کردنشین کشور نگاهی کاملا امنیتی و نظامی است از این روی ساختن برج‌های عدیده دیدبانی و تقسیم‌نوار مرزی به خط‌های قرمز، زرد و سبز از این نگاه سرچشمه گرفته است. حال سوالاتی چند در این ارتباط برای ناظران سیاسی مطرح است :

۱. اگر سیاست کنونی کنترل مرزها که بی‌شک هزاران میلیارد تومان از بیت مال کشور را هم برای ساختن پایگاه‌های نظامی و برج و بارو در نوار مرزی غرب کشور صرف شده واقع‌بینانه است مسئولین امنیتی و نظامی و اعضای شورای امنیت کشور به ناظران سیاسی و مردم پاسخگو باشند که چگونه است طی سالیان گذشته ده‌ها دانشمند اتمی و نخبگان کشور آن هم در قلب پایتخت ترور شده‌اند و هزاران اسناد محرمانه به سرقت رفته‌اند. اگر نفوذ عوامل بیگانه از مرزهای غربی است و شما این همه بودجه بیت المال را برای امنیت کشور صرف کرده اید باید پاسخگو باشید. غیر از کشتن کولبران نگون بخت چند نفر از عوامل اقدامات فوق را در مرزها کشته یا دستگیر کرده‌اید؟

۲. بی‌شک کولبران صاحبان کول‌های خود نیستند و اکثرأ کوله‌بارشان هم وسایل آشپزخانه، وسایل صوتی و تصویری و اقلامی از این‌ قبیل است که آن را برای صاحبان پولدار کول‌هایشان می‌آورند که آنها هم دو دسته هستند، بعضی‌ها آن سوی مرز و بعضی دیگر این سوی مرز هستند و هر دو هم با عوامل دولتی در هر دو سوی مرز ساخت و پاخت دارند. لذا مسئولین عالی‌رتبه کشوری لطفا به این موضوع ورود کنند

و دستور کنترل و محدود کردن صاحبان کول‌ها که همان کول‌خواران هستند را بدهند تا کولبری هم محو شود. این دور از شرط انصاف است که کولبران را یکشید ولی کول‌خواران را به حال خود رها کنید.

۳. بی‌شک طی سالیان گذشته از لحاظ چالش‌های امنیتی کشور، حساسیت کارگزاران مرکز نسبت به پیرامون کشور بوده است که آن هم بنا به اتفاقات تاریخی که جای بحثش در این مقاله نیست ریشه دارد. اکنون گمانی در این نیست که ناکارآمدی‌های ساختاری و ناشایستگی‌های مدیریتی انباشتی از فساد را برساخته است که حاصلش ایجاد تهدیدات امنیتی در مرکز است که اهمیت آن بسیار بیشتر از نواحی پیرامون است. بن و بکوب‌های چهل و دو ساله در پیرامون کشور اگر چه درصدی از تهدیدات را روانه آن ور مرزها کرده است ولی نگاه‌های تک بعدی و کافر مسلمانی اندیشیدن نسبت به مردم این مناطق و عدم توجه به ارتقای شاخص‌های توسعه‌یافتگی، دستاوردش این بوده که تهدیدات امنیتی بیشتری را به عمق داخلی مرزها انتقال داده است نه به آن سوی مرز که دوربین‌های برجک‌های نگهبانی به سوش نظاره‌گر هستند. از این روی ساده‌انگاری و لاکشتی اندیشیدن در مورد چالش‌های مذبور و ادامه سیاست‌های ناکارآمد و فرتوت کنونی و ادامه کولبر کشی می‌تواند پیامدهای غیرقابل جبرانی را در پی داشته باشد.

۴. ناتوانی، ناکارآمدی و پوپولیستی اندیشیدن نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس شورای اسلامی و در قواره نماینده روستا ظاهر شدن آنها و عدم جرات ورود به این مباحث از سوی آنها که بی‌شک جزئی از رسالت‌شان است موجب عدم با اهمیت پنداشتن و عدم درکی صحیح از این چالش‌ها میان کارگزاران بالا دستی شده است. بی‌شک در خلا حضور نخبگان مناطق کردنشین در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مرکز کشور تنها روزه و کور سوی امید به بازتاب رنج‌های مردم این مناطق از سوی نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی است. لذا ضروری است که آنان از انشاخوانی‌های عوام‌فریبانه در صحن مجلس حذر کنند و هماهنگ و هم‌صدا اقدامات درخوری را انجام دهند. امید است که عوامل ایجاد کولبری و کولبر کشی و چنین پدیده‌هایی خشکانده شود. /

دیپلماسی ایرانی



در اقتصادهای بیمار و بحران زده شغل های کاذب و غیرمولد قاچ و ار و از روی ناچاری و ضرورت های زندگی بروز و ظهور می یابند. با توجه به آمار بالای شاخص فلاکت در مناطق غرب کشور، پیامدهای آن زنجیره ای از بحران های مختلف را بوجود آورده که کولبری پدیده ای آشکار از هزاران پدیده اجتماعی آشکار و پنهان دیگر است. کافی است آمارهای مختلف از آسیب های اجتماعی همچون خودکشی، خشونت های اجتماعی، اعتیاد و عوامل بسیار دیگری منتشر شود تا عمق و وسع بحران ها برای همگان عیان شود. کولبری و کولبر کشی تازه یکی از پیامدهای فجیع شرایط موجود است که نگارنده سعی خواهد کرد بخشی از چشم انداز آن را واکاوی کند به این نیت که تلنگری باشد برای همگان، چه در قامت مسئول و چه در قامت مردم. بدیهی است که باید در نظر داشت با کشتن کولبری که نان آور خانواده ای مستمند است چه تبعاتی دامنگیر اعضای بی سرپرست آن خانواده می شود آن هم در میان

انبوهی از بحران های اجتماعی!؟

با کشته شدن هزاران نفر از کاسب کاران ساکن در نوار مرزی غرب کشور طی سالیان دور و نزدیک، گویا ژنرال ها و تکنوکرات ها که همان مسئولین شان می خوایم هنوز کک شان هم از چرای این پدیده گزیده نشده است. پهن کردن سفره های خالی کولبران و اعتراضات عدیده آنها تا کنون صدایی به اندازه روزه یک باد نحیف هم در آن بالا دستی ها ایجاد نکرده است. در سرزمین اختلاس ها و رانت های هزاران میلیاردی و در هیاهوی مافیای قدرت و ثروت شکی نیست که فریاد فرودستان آن هم در آن گذرگاه های سخت و دشوار به دالان های تصمیم سازان مرکز نشین نخواهد رسید. به راستی که چنین پدیده هایی یادآور قرون وسطا و عصر برده داری است و شایسته جوامع امروزی نیست.

فریادی به درازای سال ها کشتن کولبران نگون بخت، این بی فریادرس ترین اقشار نوپدید جامعه کردستان که صدای



**سید محمدحسین ملائک**  
**سفیر اسبق ایران در سوئیس و چین**

با انتخاب جناب آقای سید ابراهیم رئیسی بعنوان سیزدهمین رئیس جمهور پس از انقلاب موضوع انتخاب کابینه و وزرا و از جمله وزیر امور خارجه به اولویت اول مسائل سیاسی کشور ارتقاء یافته است. (البته بطور اصولی اگر فردی برای ریاست جمهوری ایران خود را کاندید کرده اما در مورد شخص و نه نوع وزیر خارجه اش خالی الذهن بوده باشد حتما یک جای کار می لنگد یا خواهد لنگید).

وزیر خارجه در همه نظام‌های موجود جهان من جمله در سیستم سیاسی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مهمترین شاخصه یک وزیر خارجه داشتن آمال و آرزو و برنامه بر اساس توانمندی‌های داخلی و منطبق کردن آن بر روند‌های جهانی و منطقه ای است. به عبارت دیگر ارتباطات خارجی کشور بر اساس یک تحلیل منسجم می تواند پیش برود.

دومین خصوصیت یک وزیر امور خارجه قدرت اجماع سازی داخلی است. وزیر امور خارجه باید در محافل

تصمیم ساز کشور دارای احترام و قدرت حضور و نفوذ و شکل دهی به آن را داشته باشد. بنابراین دستگاه رهبری کشور باید به چشم «خودی» به وی نگاه کرده و به او اعتماد کند. لذا باید در خطوط اساسی همسو و همفکر با راس هرم قدرت بوده و مهمتر، به سیاست‌هایی که اجرا می کند معتقد باشد. ضمنا باید با سلایق اجرایی و تاکتیکی رئیس جمهور همخوانی داشته باشد و نهایتا نیز بتواند نظر مجلس را به خود جلب کند.

سوم، وزیر خارجه باید بتواند تمایل و توانایی ارتباط گیری و خصوصی سازی روابط با را مقامات سایر کشورها از جمله کشورهای هدف داشته باشد. یا به عبارت دیگر قدرت اجماع‌سازی بین المللی داشته باشد.

در مورد تحلیل وزرای امور خارجه در ایران یادآوری این نکات ضروری است. با پیروزی انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل تکانی خورد اما نظام دوقطبی از خود پایداری نشان می‌داد. لذا در بین مسئولین انقلاب اسلامی موضوع «خط

## بازی‌های دو گانه

## انتخاب استراتژیک پوتین؛ایالات متحده یا چین؟



**شهره پولاب**؛**دکترای جغرافیای سیاسی**

جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده در روز ۱۶ ژوئن ۲۰۲۱ با همتای روس خود ولادیمیر پوتین در شهر ژنو سوئیس دیدار کرد. این اولین دیدار دو رهبر پس از ریاست جمهوری بایدن بوده و به مدت سه ساعت نیز طول کشیده است.
بایدن این دیدار را یک چشم انداز واقعی برای بهبود قابل توجه در روابط ایالات متحده و روسیه تلقی نموده و خاطر نشان کرد که ماه‌های آینده «یک آزمون» خواهد بود. پوتین نیز با توجه به رایزنی‌ها درباره بازگشت سفیران ایالات متحده و روسیه به پست‌های دیپلماتیک خود این نشست را «سازنده» و «کاملاً مثمر ثمر» توصیف کرده و ادعا داشته که «همه چیز در رابطه با خراب شدن روابط متقابل بین دو کشور نه توسط روسیه، بلکه توسط ایالات متحده آغاز شده که حاکی از ادامه تنش فی مابین است».

این نشست را می توان بخشی از تلاش بایدن برای تحکیم روابط دو کشور قلمداد کرد که در سالهای اخیر به پایین ترین سطح ۳۰ سال اخیر تنزل یافته بود. در فوریه ۲۰۲۱ به دنبال ادعای بایدن مبنی بر دخالت روسیه در انتخابات آمریکا و قاتل خطاب کردن پوتین همراه با بر انگیختن خشم مسکو روابط بین دو قدرت هسته‌ای بسیار آسیب دیده بود.

دیدار بایدن و پوتین در حاشیه اولین سفر خارجی بایدن به بریتانیا و حضور در اجلاس گروه هفت و ناتو صورت گرفت که بایدن با اعلام این که «روسیه و چین هر دو به دنبال ایجاد شکاف در همبستگی غرب در اقیانوس اطلس هستند»، بر اتحاد ایالات متحده با اتحادیه اروپا و ناتو تاکید داشت.

دیدار بایدن با رهبران انگلیس، فرانسه، آلمان، کانادا،

# چرا وزیر امور خارجه جایگاه مهمی دارد؟

سوم « طرح و تحلیل قالب حفظ این «خط» در نظام دوقطبی بود. جناب میر حسین موسوی صاحب دید و جهان بینی بود و سیاست خارجی را از دیدگاه ایدئولوژی می دید بنابراین به این خط توجه ویژه داشت ولی حضورش چندان دوام نیاورد. جناب آقای دکتر ولایتی که بیشترین سال‌ها را در خدمت سیاست خارجی بودند و هستند نیز در راستای همین تحلیل غالب که باید انقلاب اسلامی را به عنوان

**شناخت کافی از وزارت خارجه و عملکرد آن در جامعه سیاسی خصوصا در مجلس و نیز جامعه دانشگاهی وجود ندارد . یکی آن را سازمان کنسولی و روابط خارجی می داند. یکی آن را در حد یک اپلیکیشن بازاریابی کالا تصور می کند و مجلسی ها نیز بیشتر آن را آژانس مسافرتی و کار یابی می بینند.**

شخصیت، ظرفیت‌های علمی و تاریخی و توانایی محاوره از یک سطح اجتماعی خاص برخوردار بود و هم در سطح بین‌المللی توانسته بود خود را شخصیت تثبیت شده‌ای بنمایاند. از اطرافیان ایشان شنیده می‌شد که قله مورد نظرش در این مسیر دبیر کلی سازمان ملل است. به‌رحال ایشان هدف داشت و برای آن کم نگذاشت.

بعد از فروپاشی شوروی و بهم ریختن نظام بین الملل، نیاز به یک تحلیل از شرایط نوین احساس میشد. آقای دکتر ولایتی هیچگاه باور نداشت که شوروی آسیای میانه را ترک کرده بنابر این تلاش داشت با نیم نگاهی به روسیه سیاست های ایران را در آسیای مرکزی سازمان دهد. این تحلیل باعث شد تر کیه به عنوان رقیب از ایران در این منطقه پیشی بگیرد و حتی راه آهن بندر عباس - سرخس که با هزینه زیادی توسط ایران کشیده شد و بعنوان تنها کانال خروجی ۵ کشور محصور در خشکی آسیای مرکزی می توانست برای ایران شانس بزرگی باشد نتوانست اعتماد این کشورها را جلب کند و نهایتا هم موفق نبود.

آقای دکتر خرازی اسب زین شده ای را به ارث برد و تلاش برای حفظ شرایط کرد . از بحر انها فرار کرد و هر پرونده مشکلی را از وزارت خارجه خارج کرد و قدرت تاثیر گذاری وزارت خارجه را پایین آورد . اجماع سازی را در عدم حضور وزارت خارجه تعریف کرد. طرح و برنامه ای در سیاست خارجی جدا از آنچه از گذشته بود مطرح نشد. موضوع گفت وگویی تمدنها نیز طرح آرزویی فلسفی بود و ارتباطی به برنامه های سیاست خارجی نداشت و منشاء اقدامی هم نشد. وی شخصیتا تمایل زیادی برای دوستیابی بین المللی نداشت. شخصیت علمی و گوشه گیری و محترمی بود که حتی با سیاست های اعلامی دولت اصلاحات نیز همخوانی کمی داشت.

وزرای خارجه دولت آقای احمدی نژاد نسل نوین وزرای خارجه بودند که بیشتر کار گزار و منتظر دستور بودند. تحلیلی از نظام بین الملل و موقعیت ایران نداشتند. قدرت اجماع سازی داخلی آنها تقریبا نزدیک به صفر بود. کارهای موازی و تصمیمات خارج

از وزارت خارجه عملا

این وزارتخانه را به اداره کنسولی و روابط خارجی تقلیل داد. ارزش سفرای ایران بشدت پایین آمد و سفارتخانه کشورها در ایران نیز برای وزارت خارجه احترام زیادی قائل نبودند و به دفتر ریس جمهور و افراد آن توجه بیشتری می کردند.

آقای ظریف به عنوان وزیر خارجه صاحب دیدگاه و تحلیلی بود اگر چه خریدار کمی داشت. از نظر او در جهان تقریبا یک قطبی که تا تثبیت راه زیادی در پیش و معارضه فراوانی خواهد داشت قدرت ایران (هرچه هست) در مشارکت با دیگران قابل افزایش است و در این مشارکت باید چیزی داد و چیزهایی گرفت. صاحبان تصمیم در ایران از این تحلیل درک نکرده بود رشد نیروهای ملی و راست و تمامیت طلب هم در آمریکا هم در اروپا و حتی در ایران بود. بنابراین برنامه «برجام» که بر اساس همان تحلیل موفقیتی سریع پیدا کرده بود نتوانست بیش از دو سال دوام بیاورد و به ضرر کشور تمام شد.

آقای دکتر ظریف توانایی بسیار خوبی در جلب دوستان خارجی داشت اما این دوستی بیشتر

قدرت بزرگ نظامی سهیم بوده است. روسیه با این پشتیبانی ها توانسته قطعیت حضور چین در اقیانوس آرام را بیشتر و در نتیجه شکاف قدرت میان چین و آمریکا را کمتر سازد. اثر گذاری روسیه بر وزن اقتصادی و نظامی چین، تعدیل گر انش مسکو به سمت پکن را از سوی واشنگتن ضروری می کند.

قابل ذکر است که همواره می توان امکان بی اعتمادی روسیه نسبت به قدرت و توانایی های روزافزون چین را در نظر داشت که بتواند به مرور زمان این رابطه را خدشه دار نماید. روسیه و چین علیرغم همسوسویی هنجاری و احساسات مشترک در سرکوب عمیق نظم لیبرال در ضدیت با غرب، در اتکای به یکدیگر کاملا جانب احتیاط را نگه داشته اند. روسیه با وجود تلاش برای مشارکت در رشد اقتصادی چین، کمک به ساخت یک سیستم دفاع ماهواره ای نظامی و در اختیار نهادن سیستم های تسلیحاتی مدرن به پکن کامکان بسیار محتاط است تا از کپی شدن این فن آوری ها از سوی چین و در نهایت مستقل شدن در تکنولوژی هایپیشگیری نماید. روسیه همچنین هر گونه گسترش حضور و نفوذ چین را فراتر از حوزه اقتصادی در فضای پیرامونی خود مانند کشورهای آسیای میانه که مسکو هنوز آن را حوزه نفوذ برتر خود در نظر می گیرد، مورد پایش دقیق قرار می دهد و با نگرانی

اهداف چین را در قطب شمال که روسیه خود را بازبرگر اصلی آن قلمداد می کند، زیر نظر دارد. از اینرو هشدار به مسکو در رابطه با تهدیدات ناشی از وابستگی بیش از حد به پکن کارساز خواهد بود. این یک گزینه استراتژیک برای بایدن در گسترش همکاری با پوتین است و اثرات آن به اندازه ای خواهد بود که ایالات متحده بتواند امتیاز بیشتری به روسیه بدهد و همچنین یک گزینه استراتژیک برای روسیه خواهد بود که به عنوان یک نیروی بی ثبات کننده تلقی شود یا در قالب یک قدرت اثر گذار درآید. بایدن برای متمرکز بودن بر جبهه چین می خواهد با خروج از افغانستان و پیوستن دوباره به برنامه جامع اقدام مشترک با ایران تمهیدات خود را در قبال جبهه های بحران زای دیگر کاهش دهد. پوتین نیز می داند که ایالات متحده برای تمرکز بر چین، نیاز بیشتری به

شخصی ماند و به دلیل عدم اجماع داخلی غیر قابل تعمیم به کشور شد. ایشان علیرغم مصاحبه‌ها و چهره کاریزمانیک خود در اجماع سازی داخلی نیز نتوانست گام‌های مثبتی بردارد.

رقابت با ایشان و سنگ اندازی ها صرف نظر از خارج در داخل دولت نیز کم نبود. عناصری که خود را بالاتر از اومی دانستند و یا فقط اورا ابزاری می خواستند که نظرات آنها را بیان کند. و نهایتا این اظهار نظر عجیب از ایشان که من کل وزارت خارجه را با ده نفر می توانم بگردانم که نمودار فاصله ایشان از واقعیت کاری بود که برایش آمده بود.

هم اکنون بحث های زیادی در مورد سیاست خارجه و باید و یا نیاید های آقای ریسی و نهایتا وزیر خارجه چه کسی باید باشد در محافل عمومی است. عمیقا اعتقاد دارم شناخت کافی از وزارت خارجه و عملکرد آن در جامعه سیاسی خصوصا در مجلس و نیز جامعه دانشگاهی وجود ندارد . یکی آن را سازمان کنسولی و روابط خارجی می داند. یکی آن را در

**ظریف توانایی بسیار خوبی در جلب دوستان خارجی داشت اما این دوستی بیشتر شخصی ماند و به دلیل عدم اجماع داخلی غیر قابل تعمیم به کشور شد. ایشان علیرغم مصاحبه‌ها و چهره کاریزمانیک خود در اجماع سازی داخلی نیز نتوانست گام‌های مثبتی بردارد. رقابت با ایشان و سنگ اندازی ها صرف نظر از خارج در داخل دولت نیز کم نبود. عناصری که خود را بالاتر از او می دانستند و یا فقط اورا ابزاری می خواستند که نظرات آنها را بیان کند.**

پیش بینی و تحلیل های آنان به مراتب از محافل تصمیم گیری کشور جلوتر بوده و متوسط حقوقشان نیز از نمایندگان مجلس و رفاهیات و امتیازات آنها بسیار کمتر است. این وزیر بوده که استحقاق و یا عدم استحقاق در بکار گیری و استفاده از آنها داشته یا نداشته است.

بنظر نگارنده در جامعه عقب مانده سیاسی ایران که هنوز نمی تواند تعریف نوشته شده ای از منافع ملی در بر گیرنده ساکنین ایران زمین داشته باشد شخص وزیر خارجه با قدرت اجماع سازی داخلی و خارجی و داشتن تحلیل قابل اجماعی که مسئولین از جهان و برنامه پیش رو دارند یک بسته غیر قابل تفکیک است. هر کسی را که رئیس جمهور انتخاب می کند یا خود چنین بلند پروازی دارد باید بتواند این خصوصیات را داشته باشد والا هم خود و هم کشور را دچار بحران خواهد کرد. / دیپلماسی ایرانی

روابط احترام آمیز با روسیه خواهد داشت. بنابراین با تهدید منافع ملی امریکادر موضوعاتی مانند یکپارچگی سیستم دموکراسی آمریکایی، امنیت سایبری ایالات متحده و امنیت اروپای شرقی هزینه ای را که بایدن باید برای دور کردن این تهدیدات بپردازد، افزایش می دهد. چالش رقابت ایالات متحده و چین فرصتی است مغفتم تا پوتین فشار بیشتری را برای کسب در خواست های بیشتر بر واشنگتن اعمال نماید با این احتمال که بایدن به ناچار میبایست در برابر برخی از آن ها سکوت کند.

ایالات متحده هیچ علاقه ای به تشدید در گیری با روسیه ندارد و به دنبال آن است تا تلاش مسکو را برای تحکیم مواضع استراتژیک در مقابل پکن متوقف نماید. بایدن در این تعامل و دور کردن روسیه از آغوش چین می یابست به شرایطی مطابق با منافع ملی مسکو مانند کاهش تحریم های غرب علیه روسیه بازگردد و در موضوعات مورد بحث با پوتین در جلسه اخیر در ژنو حول محور های معاهدات خلع سلاح، درگیری او کراین، بحران داخلی سوریه، برنامه هسته ای ایران و طالبان در افغانستان به مواضع پوتین توجه نموده و اهرم فشار در روابط با روسیه در مورد نقض حقوق بشر، سرکوب مطبوعات آزاد و مخالفان را سبک تر نماید.

روسیه برای ایالات متحده وزنه ای است که با جابه جا شدن به سمت واشنگتن یا پکن می تواند توازن میان دو قدرت را برقرار سازد. بنابراین تعامل جدی و مستقیم با روسیه همراه با پذیرش نقاط ضعف و قدرت یکدیگر گزینه قابل تاملی خواهد بود تا به جای تقابل شدید سال های گذشته دیپلماسی آرام تری را به روابط دو قدرت برگرداند.

برای پوتین نیز این امتیازات به معنای به رسمیت شناختن قدرت روسیه و همترازی با ایالات متحده بوده که شاید در یک «استراتژی میانجی گری» بتواند از موقعیت واسطه میان چین و آمریکا بهره گیرد. اگر چه بعید به نظر می آید که چین این نقش میانجی را به روسیه اعطا کند، با این حال این یک انتخاب استراتژیک در توازن قدرت جهانی در حال تغییر است.

/دیپلماسی ایرانی



# فشارهای حقوقی بر بایننس؛ خطر در کمین معامله‌گران ایرانی؟



تحت‌تحریم را که پیش از این با استفاده از روش‌های میانبر در این صرافی فعالیت می‌کردند، شناسایی کند.

در همین حال، تعدادی از کاربران در شبکه‌های اجتماعی از مسدودشدن حساب خود در صرافی بایننس و درخواست این صرافی برای احراز هویت خبر می‌دهند؛ اما از شواهد به نظر نمی‌رسد که هنوز مسدودسازی گسترده‌ای علیه حساب‌های ایرانی در بایننس آغاز شده باشد.

نظرسنجی‌هایی در توییتر منتشر شده که در آنها از کاربران بایننس پرسیده شده است آیا در این مدت با مشکل مسدود شدن حساب خود توسط بایننس مواجه شده‌اند یا خیر. در یکی از این نظرسنجی‌ها که حدود ۲,۳۰۰ نفر در آن شرکت داشته‌اند، ۷۳ درصد از شرکت‌کنندگان گفته‌اند که تاکنون مشکلی در این مورد نداشته‌اند. در این میان تنها ۸ درصد از شرکت‌کنندگان گفته‌اند که حسابشان در بایننس مسدود شده است.

از آنجایی که اکثر کاربران تاکنون مشکلی در این رابطه نداشته‌اند، حداقل می‌توان گفت که هنوز بایننس تصمیم مشخصی برای مسدود کردن حساب کاربران کشورهای تحت تحریم نگرفته است. علاوه بر این خبری هم در مورد تاریخ دقیق راه‌اندازی راهکار تراولر سایفرتریس و یا پیوستن بایننس به قانون انتقال اطلاعات FATF منتشر نشده است.

به‌طور کلی، کارشناسان و فعالان این حوزه درباره اخبار اخیر سه دیدگاه مختلف دارند:

خطری وجود ندارد.

هر چه سریع‌تر دارایی‌های خود را به کیف پول‌های شخصی منتقل کنید.

بایننس سرمایه‌ها را به‌طور ناگهانی بلوکه نمی‌کند و قبل از اقدام اطلاع‌رسانی خواهد کرد.

عده‌ای نگران نیستند و تصور می‌کنند که بایننس یا نمی‌تواند و یا اگر هم بتواند قصد ندارد که حساب کاربران ایرانی را مسدود کند.

اما اغلب فعالان معتقدند که خطر بلوکه‌شدن دارایی‌ها بسیار جدی است و باید سرمایه‌ها را برداشت کرد یا سریع‌تر از این صرافی به صرافی دیگر نقل مکان کرد. این کاربران معمولاً صرافی‌های داخلی، صرافی‌های غیرمتمرکز و صرافی‌های خارجی دیگر را به‌عنوان مقصد بعدی خود معرفی کرده‌اند.

عده‌ای دیگر از کاربران ایرانی هم هستند که نظری میان این دو دیدگاه دارند و معتقدند که خطر می‌تواند جدی باشد، اما با توجه به سوابق بایننس در این سال‌ها، احتمالاً قبل از اقدام گسترده برای مسدود کردن حساب‌ها، به کاربران برای برداشت سرمایه‌ها اطلاع‌رسانی می‌کند.

برای اولین بار نیست که کاربران ایرانی بایننس درباره سرمایه‌های خود نگران می‌شوند؛ اما فشار دولت‌های بزرگ جهان به بایننس و اخبار اخیر همکاری با شرکت‌های تحلیل بلاک چین باعث شده است که جنس این نگرانی با دفعات قبل متفاوت باشد. این که بایننس در نهایت چه سیاستی در پیش خواهد گرفت را زمان مشخص می‌کند؛ اما توصیه‌نهایی همه کارشناسان به کاربران این است که سرمایه‌گذاری بلندمدت خود را به کیف پول شخصی منتقل کنند.

راهکار شرکت تحلیل بلاک چین سایفرتریس که تراولر (Traveler) نام دارد، اطلاعات هر تراکنش را بین تمام ارائه‌دهندگان خدمات ارز دیجیتال به اشتراک می‌گذارد تا از پولشویی و تأمین مالی تروریست با ارزهای دیجیتال جلوگیری شود. این سیستم تمامی موارد مورد نظر FATF را اجرا و کنترل می‌کند و همین موضوع می‌تواند تاحدودی فشار نهادهای نظارتی کشورهای مختلف را از روی دوش بایننس بردارد.

شرکت سایفرتریس که بایننس از راهکار تراولر آن برای انطباق فعالیت‌هایش با قانون انتقال اطلاعات استفاده می‌کند، پیش‌تر گزارشی جامع از آدرس‌های بیت کوین متعلق به کاربران ایرانی منتشر کرده بود. این شرکت که با دولت ایالات متحده هم همکاری دارد، با استفاده از ابزارهایی قادر است تراکنش‌های ارز دیجیتال را رهگیری و موقعیت مکانی دارنده یک آدرس را مشخص کند.

اکنون موضوعی که مشتریان ایرانی بایننس را نگران کرده است، دسترسی این صرافی به اطلاعات مربوط به موقعیت مکانی حساب‌های کاربران است.

بیشتر کاربران ایرانی بایننس، برای خرید ریالی ارزهای دیجیتال از صرافی‌های ایرانی استفاده می‌کنند و سپس از خریداری شده را برای انجام معاملات گسترده، به حساب خود در بایننس منتقل می‌کنند. تا پیش از این، کاربران می‌توانستند با تغییر آی‌پی و اقداماتی از این دست، محدودیت بایننس در مورد کشورهای تحت‌تحریم را از بین ببرند. تصمیمات جدید بایننس احتمالاً باعث می‌شود تا این صرافی بتواند با کمک راهکار سایفرتریس حساب‌هایی که به آدرس‌های ایرانی مربوط می‌شوند را شناسایی کند.

نکته‌ای که شاید در این میان مبهم باقی مانده باشد این است که اگر کاربری ارز دیجیتال خریداری شده از یک صرافی ایرانی را، پیش از انتقال به بایننس، یک‌بار به کیف پولی غیر از صرافی‌های ایرانی، مانند کیف پول تراست والت (Trust Wallet) انتقال دهد، می‌تواند موقعیت مکانی مبدأ اصلی دارایی‌های خود را مخفی کند یا خیر؟ پاسخ کوتاه خیر است.

راهکار تراولر سایفرتریس که بایننس قرار است از آن استفاده کند، این قابلیت را دارد که تاریخچه آدرس آی‌پی‌های مرتبط با یک کیف پول را شناسایی کند و در نهایت به این موضوع پی ببرد که آیا یک کیف پول با آدرس‌های مربوط به یک کشور خاص در ارتباط بوده است یا خیر. بنابراین اگر چندین مرتبه هم دارایی یک کاربر بین کیف پول‌های مختلف جابه‌جا شود، تفاوتی ایجاد نخواهد شد.

## کاربران ایرانی چه کنند؟

کاربران ایرانی بایننس حالا بیش از هر زمان دیگری نگران سرمایه‌های خود در صرافی بایننس هستند، چراکه اگر بایننس تصمیم بگیرد سخت‌گیری‌های خود را در قبال کشورهای تحت تحریم بیشتر کند، این امکان را خواهد داشت که آدرس‌های مربوط به ایران و دیگر کشورهای

در ماه‌های اخیر هشدارها و محدودیت‌های اعمال شده از سوی نهادهای نظارتی کشورهای مختلف، بایننس و مدیرانش را به چالش کشیده است. در ایران اما، این کاربران بایننس هستند که نگران بلوکه شدن دارایی‌ها و بسته شدن حساب‌های خود هستند. تحریم‌های اقتصادی سنگین بر ایران از یک‌سو و اخبار همکاری‌های بایننس با شرکت‌های تحلیل بلاک چین برای تطبیق خود با قوانین بین‌المللی از سوی دیگر، باعث موج جدیدی از نگرانی در میان معامله‌گران ایرانی ارزهای دیجیتال شده است.

به گزارش ارز دیجیتال اخبار مربوط به افزایش حساسیت نهادهای نظارتی کشورهای مختلف نسبت به فعالیت‌های بایننس روزبه‌روز بیشتر می‌شود. در بیشتر این اخبار نهادهای مسئول نظارت بر امور مالی این کشورها، مشخصاً گفته‌اند که بایننس برای فعالیت‌های خود هیچ مجوزی از نهادهای قانونی دریافت نکرده و نمی‌تواند در آن کشور فعالیت داشته باشد.

حالا با افزایش فشارها، به نظر می‌رسد بایننس تصمیم گرفته است که به نحوی فعالیت‌های خود را با قوانین بین‌المللی و مورد پذیرش کشورهای سراسر جهان انطباق دهد تا کمی از بار فشارها کم کند. اگرچه فشارها مستقیماً بر بایننس تحمیل شده است، این اخبار برای کاربران ایرانی این صرافی رنگ و بوی دیگری دارد و این سوال را مطرح می‌کند: با وجود تحریم‌ها، آیا خطری سرمایه‌ها را تهدید می‌کند؟

## موضوع از چه قرار است؟

حساسیت نهادهای نظارتی با تحقیقات مقامات آمریکایی برای کشف فعالیت غیرقانونی بایننس در این کشور آغاز شد. حدود دو ماه پیش منابع مختلف خبری گزارش دادند که کمیسیون معاملات آتی کالا (CFTC) در حال تحقیق از صرافی ارز دیجیتال بایننس است. دلیل این بررسی امکان انجام برخی معاملات از سوی سرمایه‌گذاران آمریکایی در پلتفرم بین‌المللی بایننس عنوان شده بود.

کمی بعدتر، قانون‌گذاران ژاپنی به‌صورت رسمی به بایننس در ارتباط با فعالیت‌هایش در این کشور هشدار دادند. آژانس خدمات مالی ژاپن (FSA) به چانگ پنگ ژائو، بنیان‌گذار و مدیرعامل صرافی بایننس، به‌دلیل فعالیت بدون مجوز در این کشور هشدار داد.

هفته گذشته هم مرجع راهبردی امور مالی انگلستان (FCA) در اطلاعیه‌ای با نام‌بردن از شرکت بایننس مارکتیز (Binance Markets Limited) اعلام کرد که این شرکت حق انجام هیچ‌گونه فعالیت قانون‌گذاری شده‌ای را بدون تأییدیه این نهاد ندارد.

بایننس که با هشدارهای جدی مقامات کشورهای مختلف روبه‌رو شده است، هفته گذشته به‌طور رسمی اعلام کرد که قصد دارد از راهکار انتقال اطلاعات تراکنش شرکت سایفرتریس (CypherTrace) استفاده کند. این راهکار فنی به بایننس کمک می‌کند تا فعالیت‌های خود را با قانون انتقال اطلاعات گروه ویژه اقدام مالی (FATF) مطابقت دهد.

## مرور یک واقعیت؛ صرافی، کیف پول نیست!

### ورود دوم مرحله‌ای را فعال کنید

فعال کردن اعتبارسنجی دوعاملی (۲FA) یا همان ورود دومرحله‌ای در کیف پول باعث می‌شود تا حتی اگر کلمه‌عبور شما در اختیار کسی قرار بگیرد، بازهم نتواند به کیف پول دسترسی پیدا کند. در این روش، کاربر هنگام ورود باید علاوه بر کلمه‌عبور، از یک فیلتر دیگر هم (مانند تأیید پیامکی، ایمیلی و بین‌کد) عبور کند.

## فدرال رزرو: قیمت ارزهای دیجیتال نشان‌دهنده افزایش علاقه برای پذیرش ریسک است

مریم گلشن- بانک مرکزی آمریکا روز جمعه گزارشی را به کنگره ارائه کرده که در بخش‌هایی از آن، به‌طور مستقیم درباره ارزهای دیجیتال صحبت شده است. فدرال رزرو گفته است که رشد قیمت ارزهای دیجیتال نشان‌دهنده افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به ریسک‌بیشتر است.

به گزارش کوین دسک، بانک مرکزی آمریکا یک ارزیابی کلی از ثبات سیستم مالی در ۶ ماهه اول سال انجام داده و نتایج آن را در قالب یک گزارش به کنگره ارائه کرده است؛ گزارشی که در آن به افزایش چشمگیر قیمت ارزهای دیجیتال اشاره شده است. این اولین بار است که فدرال رزرو چنین کاری را انجام می‌دهد. در این گزارش بیان شده که رشد قیمت ارزهای دیجیتال، نشان‌دهنده افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به ریسک‌بیشتر است. البته پیش از این هم مقامات فدرال رزرو گاه‌وبگاه درباره ارزهای دیجیتال صحبت کرده بودند، اما به‌ندرت شاهد این بودیم که خود این نهاد، از این کلاس دارایی حرفی به میان بیاورد یا از آن به‌عنوان معیاری برای ارزیابی شرایط گسترده‌تر بازار استفاده کند.

همین تغییرات کوچک نشان می‌دهند که فدرال رزرو نگاه دقیق‌تری به ارزهای دیجیتال دارد. به‌عنوان مثال، مقامات بلندپایه آمریکا در ماه‌های اخیر با چهره‌های مهم صنعت ارزهای دیجیتال ملاقات کرده‌اند و درمورد مسائلی از جمله چگونگی پیشبرد پروژه دلار دیجیتال گفت‌وگو کرده‌اند.

با این حال، حقیقت این است که این توجهات کوچک خوب است، اما کافی نیست. در همین گزارش ۶۹ صفحه‌ای، به ارزهای دیجیتال تنها یک اشاره کوچک شده و توضیحات بیشتر درباره ارزهای دیجیتال، انعطاف‌پذیری آنها، چشم‌انداز آنها و یا تأثیر آنها بر سیاست‌های پولی آمریکا در آن دیده نمی‌شود. گزارش بانک مرکزی آمریکا در بخشی گسترده‌تر که به قیمت دارایی‌های پرریسک اختصاص یافته، به ارزهای دیجیتال هم اشاره کرده است و آن را میان تغییرات قیمت مسکن و بازدهی اوراق خزانه‌داری قرار داده است. بخش مذکور با این توضیح به پایان رسیده است: با کاهش علاقه سرمایه‌گذاران به ریسک، افزایش غیرمنتظره نرخ بهره و یا توقف بازیابی آن، ممکن است قیمت این دارایی‌ها با کاهش چشمگیری روبه‌رو شود.

دارایی‌های شما باشند.

وب‌سایت رسمی هر کیف پول بهترین منبع برای دانلود نرم‌افزار است. حتی وقتی قصد دارید نرم‌افزار موردنظر خود را از گوگل پلی یا اپ‌استور دریافت کنید، باید دقت زیادی به خرج دهید و بسیار مراقب باشید، چون گاهی اوقات نرم‌افزارهای تقلبی با نام و لوگوی نرم‌افزار اصلی در گوگل پلی و اپ‌استور ظاهر می‌شوند. به‌عنوان یک نمونه بارز، نرم‌افزار موبایل کیف پول لجر، «لجر لایو» (Ledger Live) نام دارد. مدتی پیش چند نرم‌افزار تقلبی با نام و لوگوی مشابه لجر لایوروی گوگل پلی ظاهر شده بودند و از آن طرف به‌دلیل تحریم‌ها، کاربران ایرانی نمی‌توانستند نرم‌افزار اصلی را در گوگل پلی مشاهده کنند. صب چنین نرم‌افزارهایی مساوی است با بر باد رفتن تمام سرمایه‌ها.

## از گذرواژه‌های قوی استفاده کنید

نرم‌افزارهایی به اسم «کرکر» می‌توانند رمزهای عبور مختلف برای یک نام کاربری را به‌صورت خیلی سریع بررسی کنند و اگر گذرواژه شما ساده باشد، در کمتر از چند روز نرم‌افزار آن را پیدا می‌کند. به همین دلیل بهتر است از حروف کوچک و بزرگ انگلیسی و همچنین علائم نگارشی در گذرواژه خود بهره ببرید. البته این روزها بیشتر سامانه‌های کیف پول به لایه‌های ضداسپم مجهز هستند.

## نرم‌افزارهایتان را به‌روز کنید

با به‌روز کردن نرم‌افزارهای خود، همیشه امن‌ترین محیط موجود را برای کیف پول فراهم کنید. نه‌تنها کیف پول؛ بلکه سیستم‌های رایانه‌ای و تلفن‌های همراه خود را نیز به‌روز نگه دارید. نرم‌افزارهای ضدویروس و ضدبدافزار خود را هم همیشه به‌روز نگه دارید.

## از مرورگر جداگانه استفاده کنید

اگر از کیف پول تحت وب استفاده می‌کنید یا قصد دارید از طریق مرورگر به کیف پول خود متصل شوید، افزونه‌های مخرب در مرورگرها را نباید فراموش کرد. بهترین کار این است که یک مرورگر تمیز و فاقد افزونه برای دسترسی به کیف پول خود تخصیص داده تا خطر سرقت کلید خصوصی کاهش یابد.

خصوصی با ۲۴/۱۲ کلمه بازیابی ارائه دهد.

کیف پول‌های نرم‌افزاری معتبری که روی تلفن همراه (مانند تراست والت) یا کامپیوتر شخصی (مانند اکسودوس) نصب می‌شوند، کاملاً رایگان هستند و در صورت رعایت نکات ایمنی و حفظ کلمات بازیابی از طرف خودتان، می‌توانند امنیت دارایی‌های شما را تضمین کنند. در صورتی که امنیت بیشتری می‌خواهید می‌توانید از کیف پول‌های سخت‌افزاری یا سایر روش‌های ذخیره‌سازی آفلاین (سرد) استفاده کنید.

تا زمانی که ارزهای دیجیتال شما روی کیف پول شخصی قرار داشته باشند و نکات ایمنی لازم رعایت شوند، هیچ خطری آنها را تهدید نخواهد کرد. آن نکات ایمنی که از آن صحبت می‌کنیم چیست؟ در ادامه مهم‌ترین‌شان را می‌خوانید:

## بک‌آپ بگیرید

پس از نصب کیف پول اولین کاری که باید انجام شود، تهیه نسخه پشتیبان یا همان بک‌آپ گرفتن از کیف پول است. اگر از کیف پول خود بک‌آپ نداشته باشید و به هر دلیلی نرم‌افزار پاک شود، دستگاه از بین برود و مواردی از این قبیل رخ دهد، باید برای همیشه با سرمایه‌های داخل آن کیف پول خداحافظی کنید.

نوع بک‌آپ در هر کیف پول می‌تواند متفاوت باشد. بیشتر کیف پول‌ها به‌عنوان بک‌آپ یک مجموعه ۱۲ یا ۲۴ تایی از کلمات انگلیسی را به کاربر ارائه می‌کنند که با کلید خصوصی فرقی ندارد و در صورت بروز مشکل کاربر می‌تواند با آن کلمات سرمایه خود را بازیابی کند. برخی دیگر از کیف پول‌ها هم مستقیماً کلید خصوصی را در اختیار کاربر می‌گذارند تا آن را در جایی امن ذخیره کند. تعدادی کمی از کیف پول‌ها هم به کاربر یک فایل مخصوص می‌دهند که با کلمه‌عبور انتخابی کاربر رمزگذاری شده است و برای دسترسی به دارایی‌ها باید از آن فایل و کلمه‌عبور نسخه پشتیبان تهیه کرد.

## از منابع معتبر دانلود کنید

کیف پول‌ها و نرم‌افزارهای مربوطه که از منابع نامعتبر دانلود می‌شوند، خودشان می‌توانند بدافزار و عامل سرقت

اگر یک روز از خواب بیدار شوید و ببینید که به دارایی خود روی یک صرافی متمرکز دسترسی ندارید، چه احساسی خواهید داشت؟ اگر دوست ندارید چنین احساسی را تجربه کنید، این مقاله را به نقل از ارز دیجیتال تا انتها بخوانید.

نگهداری ارزهای دیجیتال روی صرافی‌های متمرکز

با ارسال ارزهای دیجیتال خود به یک صرافی متمرکز، در حقیقت مالکیت ارزهای دیجیتال خود را به صرافی واگذار کرده‌اید.

در این صرافی‌ها کنترل کامل دارایی‌های دیجیتال افراد در دست صرافی است. در حقیقت دارایی‌ها در کیف پول صرافی‌ها نگهداری می‌شود و فقط عدد موجودی در حساب کاربران صرافی لحاظ می‌شود. در این صورت، شما به ارزهای دیجیتال خود دسترسی دارید، اما مجبور هستید به صرافی اعتماد کنید که یک شرکت سالم باقی بماند و امنیت

دارایی‌های شما را حفظ کند.

حتی زمانی که صرافی متمرکز بخواهد شفاف و سالم کار کند، برخی خطرات خارجی همچنان دارایی‌ها را تهدید می‌کنند. طبق آمار وب‌سایت کوین‌گیکو، هرک‌ها تنها در سال ۲۰۲۰

بیش از ۲۸۶ میلیون دلار ارز دیجیتال

از صرافی‌ها به سرقت برده‌اند و عدد کلی میزان سرقت از صرافی‌ها به بیش از ۳ میلیارد دلار می‌رسد. به‌عنوان یک نمونه که کاربران ایرانی را هم تحت‌تأثیر قرار داد، در سال ۲۰۱۹ صرافی کریپتوپیا هک و سپس منحل شد. به‌علت روال قانونی طولانی برای تسویه، کاربران این صرافی بعد از گذشت نزدیک به دو سال هنوز به دارایی‌های خود نرسیده‌اند.

## راهکار چیست؟

آندریاس آنتونوپولوس جمله جالبی دارد که می‌گوید: «اگر کلید شما [در دست خودتان] نیست، بیت کوین شما هم [در دست خودتان] نیست.»

بهترین راه برای نگهداری بلندمدت ارزهای دیجیتال ذخیره آنها در یک کیف پول معتبر است. به‌زبان ساده، شما باید از کیف پولی استفاده کنید که شناخته‌شده باشد و به شما کلید



## • اینترنت چینی علاوه بر محدودیت روی دیگری هم دارد •

# نقش گسترش سریع اینترنت در چین بر رشد اقتصادی



گری لیو | مدیرعامل روزنامه South China Morning Post

ترجمه: بهداد خزاعلی- صادق زیبچي

### فن‌آوری و رفاه

هر ۱۲ ماه، بزرگ‌ترین مهاجرت جهانی انسان‌ها در چین اتفاق می‌افتد. در طول ۴۰ روز تعطیلات سال نو چینی، سه میلیارد سفر، برای به هم رسیدن خانواده‌ها و اجرای مراسم انجام می‌شود. بیشترین این سفرها توسط ۲۹۰ میلیون کارگر مهاجر انجام می‌شود، که برای خیلی از آنها فرصتی سالانه‌است تا به خانه روند و پدر و مادرشان و فرزندان به جا مانده را ببینند.

اما انتخاب‌های سفر خیلی محدودند؛ بلیط هواپیما نزدیک به نصف حقوق ماهانه‌شان است. پس بیشترشان، قطار را انتخاب می‌کنند. متوسط مسافت

سفرشان ۷۰۰ کیلومتر است. و متوسط زمان سفرشان ۱۵ ساعت و نیم. و خطوط راه‌آهن سفر ۳۹۰ میلیون نفر را در هر جشن بهاره به عهده دارند. تا همین اواخر، کارگران مهاجر باید ساعت‌های طولانی در صف می‌ایستادند- شاید روزها- تا بلیطی بخرند، خیلی اوقات با قیمت‌های گزاف از بازار سیاه. و باید مواظب هجوم جمعیت هم باشند وقتی که نهایتاً روز سفرشان می‌رسد.

اما فناوری شروع به ساده کردن این فرآیند کرده است. بلیط‌های دیجیتال و از طریق تلفن همراه حالا ۷۰ درصد فروش را تشکیل می‌دهند، صف‌های فروش را تا میزان زیادی در ایستگاه‌های قطار کاهش داده‌اند. اسکترهای دیجیتال کارت‌های شناسایی جایگزین روش‌های دستی شده‌اند، سرعت سوار شدن را بالا برده‌است، و هوش مصنوعی در شبکه استفاده شده برای بهینه سازی مسیرهای سفر. راه حل‌های جدیدی اختراع شده. بزرگ‌ترین زیرساخت مدیریت تاکسی چین، دیدی چوسینگ نام دارد. که در سرویس جدیدی به نام هیچ فعال می‌شود. و صاحبان اتومبیلی که به خانه می‌روند را به مسافرانی که دنبال مسیرهای طولانی هستند متصل می‌کند. تنها در سال سوم، هیچ به ۳۰ میلیون سفر در فصل تعطیلات گذشته خدمت رسانی کرده، که طولانی‌ترینش بیش از ۱،۵۰۰ مایل بوده است. این تقریباً فاصله میان بوستون تا میامی است. نیاز بیش از حد به کارگران مهاجر نیروی محرک نوآوری و توسعه در سیستم‌های حمل و نقل سراسر کشور بوده است.

اینترنت چین در مسیرهایی آشنا و نامشخص توسعه یافته است. درست مانند سیلیکون‌ولی، برخی از تحولات اساسی در فناوری و رفتار مصرف کنندگان بر مبنای تحقیقات دانشگاهی بوده است، بر مبنای خواسته‌های شرکت‌ها بوده است، و هر از چندی با جرقه‌هایی از علایق جوانان خاص.

من محصول صنعت فناوری آمریکا هستم، هم به عنوان یک مصرف کننده و هم یک مدیر شرکت. به همین خاطر کاملاً با این مولد آشنا هستم. اما حدود یک سال و نیم پیش، من از خانه‌ام در نیویورک به هنگ کنگ رفتم تا مدیر عامل روزنامه ساوت چاپنا مورنینگ پست شوم. و از این دیدگاه جدید، چیزی را مشاهده می‌کردم که برایم کمتر آشنا بود، پیشی گرفتن نوآوری در چین و بسیاری از کارآفرینانش. این اقتصادی است به شدت نیازمند که به جمعیت تنگدست خود خدمت می‌کند، که برای ۳۰ سال از رشد اقتصادی چین جدا افتاده بود. فاصله واضحی میان فقیر و غنی وجود دارد، میان شهری و روستایی یا

دانشگاهی و درس نخونده- این فواصل، خاکی را ایجاد کرده‌اند که آماده رشد شگفت‌آوری است. پس وقتی که پول و سرمایه بر نیازهای مردمی متمرکز شود که از پله‌های پایینی نردبان اقتصاد آویزانند، این وقتی است که ما اینترنت را واقعاً به صورت مولد کار می‌بینیم، و عامل توانایی در آموزش و از خیلی طرق دیگر، راهی به جلو.

مسلم است که، چین تنها محلی که این سوخت جایگزین وجود دارد نیست، و نه تنها جایی که این موضوع ممکن است. اما بدلیل اندازه کشور و وضعیت آن به عنوان ابرقدرت در حال رشد، نیازهای جمعیتش فرصتی را ایجاد کرده تا اثری قانع کننده داشته باشد. وقتی که رشد سریع صنعت فناوری در چین را توضیح

می‌دهی، خیلی از ناظران دودلیل را ذکر می‌کنند. اولین آن ۴/۱ میلیارد مردمی است که چین را خانه می‌نامند. دومین دلیل مشارکت فعال دولت است- یا مداخله گسترده، بستگی دارد که منظور ببینید. اکنون، مقامات مرکزی سرمایه‌گذاری سنگینی در زیرساخت‌های شبکه در طول سالها کرده‌اند، ایجاد محیطی جذاب برای سرمایه‌گذاری. در همان زمان، آنها روی استانداردها و مقررات تاکید داشته‌اند، که منجر به توافقی سریع و نیجتاً، بهره‌برداری سریع شده است. این بزرگ‌ترین مجموعه استعدادهای فناوری در جهان است که بدلیل گستردگی مزیت‌های آموزشی ایجاد شده است. و شرکت‌های محلی، داخلی، در گذشته از رقابت‌های جهانی با کنترل بازار محافظت می‌شده‌اند.

البته، اینترنت چین قابل مشاهده نیست بدون وجود گسترده سانسور و نگرانی‌های خیلی جدی درباره نظارت‌های نامناسب. برای مثال: چین در حال ایجاد رده‌بندی اعتباری اجتماعی است برای کل جمعیت کشور، که به شهروندان امتیاز می‌دهد یا محدودشان می‌کند، بر مبنای ویژگی‌هایی کاملاً کیفی مانند صداقت یا درستی. در همان زمان، چین مشغول پیاده‌سازی قابلیت تشخیص چهره در ۱۷۰ میلیون دوربین مداربسته‌اش می‌باشد. هوش مصنوعی برای پیش‌بینی جرم و تروریسم در استان ژین جیانگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. جایی که اقلیت مسلمان تحت نظارتی دائمی است.

با این وجود، اینترنت در حال رشد است، و چنان بزرگ است- بزرگ‌تر از اندازه‌ای که بیشتر ما درک می‌کنیم. در انتهای ۲۰۱۷، کاربران چینی اینترنت به ۷۷۲ میلیون نفر رسیدند. که بیشتر از تمام جمعیت ایالات متحده، روسیه، آلمان، انگلستان، فرانسه و کانادا روی هم است. نود و هشت درصد آنها روی تلفن همراه فعال هستند. نود و دو درصد آنها از برنامه‌های پیام‌رسان استفاده می‌کنند. حالا ۶۵۰ میلیون مصرف کننده خبرهای دیجیتال وجود دارد، ۵۸۰ میلیون مصرف کننده فیلم‌های دیجیتال، و بزرگ‌ترین زیرساخت تجارت الکترونیک کشور، تائوپائو، داشتن ۵۸۰ میلیون کاربر ماهانه را به همه نمایش می‌دهد. که نزدیک به ۸۰ درصد بزرگ‌تر از آمازون است. سفر بسته‌به‌در خواست، بین دو چرخه و خودرو، دارای مشترکینی نزدیک به ۱۰ میلیارد سفر سالانه در چین است. این یعنی دوسوم کل سفرها در کل جهان. پس بسته بسیار متنوعی است.

اینترنت به شکلی محدود شده، و شاید دستکاری شده در چین وجود دارد، با این وجود بسیار گسترده است و به شدت زندگی شهروندان را

بهبود داده است. پس حتی با وجود نقص‌هایش، از رشد اینترنت چین نباید غافل بود، و ارزش بررسی دقیق ما را دارد.

### رونق کار و کسب‌آلایین روستایی

بگذارید امروز دو داستان دیگر هم بگویم. لیو ژائولیو یک مهندس ۳۴ ساله از استان جیانگ ژی است. منطقه‌ای که خانه‌اش در آن قرار دارد بسیار برای حزب کمونیست مهم بوده چون اینجا محل تولد ارتش سرخ است. اما در طول دهه‌ها، بخاطر جدایی آن از مراکز اقتصادی و تولیدی کشور، بتدریج از ارزش افتاد. لیو، مثل خیلی از هم‌دوره‌ای‌هایش، خانه را در جوانی ترک کرد تا در شهرهای بزرگ بدنبال کار باشد. نهایتاً به شش‌تن رفت، که یکی از مراکز فناوری چین است. به عنوان یک مهاجر جوان، دهکده‌های روستایی تنها با افراد مسن رها شدند، که به سختی خود را بالاتر از فقر مطلق نگاه می‌داشتند.

بعد از نه سال، لیو تصمیم گرفت تا در ۲۰۱۷ به جیانگژی بازگردد، چون معتقد بود که ایجاد یک بازار تجارت الکترونیک در چین می‌تواند به او برای احیای روستایش کمک کند. مانند خیلی از جوامع روستایی، زادگاه لیو در نوع خاصی از صنایع دستی استانی متخصص بود - در این مورد، تولید نوعی کنجاله لوبیای تخمیر شده. پس او کارخانه کوچکی را ایجاد و شروع به فروش محصولات محلی خود به شکل آنلاین کرد. سالها رشد مصرف گرایی در شهرهای بزرگ چین اتفاق افتاده بود. اما این اواخر، فناوری محرک

انفجاری در فروش محصولات سنتی در میان اقشار متوسط و بالای چین بود. وی چت و دیگر زیرساخت‌های تجارت الکترونیک اجازه می‌دادند تا تولید کنندگان روستایی بازاریابی و فروش محصولاتشان را بسیار فراتر از محدوده‌های توزیع اولیه‌شان انجام دهند.

شرکت‌های تحقیقاتی این تاثیر را واقعاً با شمردن آنچه «روستاهای تائوپائو» نامیده می‌شود دنبال می‌کنند. که یک دهکده روستایی است که حداقل ۱۰ درصد از خانوارهایش محصولاتشان را آنلاین می‌فروشند و مقدار مشخصی درآمد دارند. و این رشد در سالهای اخیر چشمگیر بوده است. در سال ۲۰۱۳ تنها ۲۰ دهکده تائوپائو وجود داشت، در ۲۰۱۴ تعداد ۲۱۲، ۲۰۱۵ تعداد ۷۸۰، در ۲۰۱۶ تعداد ۱،۳۰۰، و در انتهای ۲۰۱۷ بیش از ۲،۱۰۰ عدد. که اکنون پاسخگوی نزدیک به نیم میلیون فروشگاه فعال آنلاین هستند، با فروش سالانه ۱۹ میلیارد دلار و ایجاد ۳/۱ میلیون شغل جدید. سال اولی که لیو به خانه برگشت، توانست ۱۵ روستایی را استخدام کند. و نزدیک به ۶۰،۰۰۰ بسته کنجاله لوبیای تخمیر شده را بفروشد، فکر می‌کرد که سال بعد ۳۰ نفر را استخدام می‌کند، اما تقاضا به سرعت افزایش یافت.

### فرصت آموزشی آنلاین

نزدیک به ۶۰ میلیون کودک در مناطق روستایی چین پشت سر والدینشان باقی مانده‌اند. و در حالی بزرگ می‌شوند که حداقل یکی از والدین‌شان دور از خانه، به عنوان کارگر مهاجر کار می‌کند. در کنار تمامی سختی‌های زندگی روستایی، اغلب باید فواصلی طولانی و خطرناک را تنها برای مدرسه رفتن طی می‌کردند. آنها حدود ۳۰ درصد دانش‌آموزان ابتدایی و دبیرستانی کشور را تشکیل

می‌دهند. چانگ ونگژوان ۱۰ ساله یکی از این دانش‌آموزان است. هر روز یک ساعت از هر سو تا مدرسه پیاده روی می‌کند، که در مسیرش دره‌های عمیق، در مناطقی دور افتاده قرار دارد. اما وقتی که به دهکده روستایی کوچک در استان گانسو می‌رسد، تنها دودانش‌آموز دیگر در کل مدرسه کنار او هستند. مدرسه چانگ اکنون یکی از ۱،۲۰۰ مدرسه تنها در استان گانسو است که کمتر از ۵ دانش‌آموز ثبت نام شده دارد. پس با کم شدن ارتباط دانش‌آموزان، با معلم‌هایی کم‌سواد مدرسی که تجهیزات کمی دارند و عایق‌بندی خوبی ندارند، دانش‌آموزان روستایی مدت‌هاست، که از دسترسی به آموزش‌های دانشگاهی محروم هستند. اما آینده چانگ به شدت با نصب «اتاق درس رنگین کمان» تغییر کرده است. او حالا عضوی از کلاس درسی ۱۰ نفره است که در ۲۸ مدرسه مختلف پخش شده، که توسط معلمینی باسواد و دارای مجوز که از صدها مایل دورتر پخش می‌شود تدریس می‌گردد. می‌تواند به موضوعات جدیدی مانند موسیقی و هنر، دوستان جدید و تجربیاتی خیلی دورتر از خانه‌اش دسترسی داشته باشد. اخیراً، چانگ حتی از موزه قلعه فردریکسبورگ بازدید کرد در دانمارک - البته، بصورت مجازی.

آموزش آنلاین سالهاست که بیرون از چین وجود دارد. اما هیچ‌وقت به این اندازه دگرگون کننده نرسیده بود، شاید به خاطر اینکه سیستم‌های آموزشی سنتی در دیگر مراکز فناوری جهان بسیار پیشرفته‌تر و تثبیت‌شده‌تر هستند. اما گستره سرزمینی و اندازه‌های عظیم چین نیازی عظیم و لحظه‌ای برای نوآوری ایجاد کرده. یک استارت‌آپ فناوری در شش‌تن ایجاد شده که تا ۳۰۰،۰۰۰ دانش‌آموز تنها ظرف یکسال رشد کرده. و با بهترین تخمین‌های ما در روزنامه پست، اکنون ۵۵ میلیون دانش‌آموز در مناطق روستایی چین وجود دارند که می‌توان آنها را در کلاس‌های پخش زنده شرکت داد. نیاز این بازار بزرگ‌تر از کل جمعیت دانش‌آموزی ایالات متحده از کودکان تا کلاس ۱۲ است.

پس من بی‌نیاهت دلگرم شدم که سرمایه‌گذاری خصوصی در فناوری آموزشی در چین از یک میلیارد دلار در سال فراتر رفته است که ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دیگر دولتی تا سال ۲۰۲۰ تعهد گردیده است. همچنان که اینترنت در چین رشد می‌کند، حتی با وجود نقصان‌ها محدودیت‌ها و کنترل‌ها، زندگی‌های بخش‌های فراموش شده جمعیتش به شکل غیر قابل بازگشتی ارتقا یافته است. تمرکزی که روی جمعیت نیازمند است، نه خواسته‌ها، که محرک کنجکاوی زیاد، خلاقیت و پیشرفت‌هایی است که می‌بینیم. همچنان چیزهای زیاد دیگری هم خواهند آمد.

در آمریکا جمعیت اینترنت، یا ضریب نفوذ، اکنون به ۸۸ درصد رسیده. در چین، هنوز ۵۶ درصد جمعیت به اینترنت دسترسی دارند. این یعنی بیش از ۶۰۰ میلیون نفر هنوز متصل نیستند. تقریباً دو برابر جمعیت آمریکا. یک فرصت عظیم.

هرزمان که این مولد جایگزین موجود است، حالا چین باشد یا آفریقا، آسیای جنوب شرقی یا آمریکای مرکزی، باید آن را با سرمایه و جدیت دنبال کنیم، که محرک تاثیرات اقتصادی و اجتماعی در سرتاسر جهان است. تنها دقیقه‌ای فکر کن به چه چیزهایی می‌شود دست یافت اگر نیازهای جهانی محرومان هدف اصلی ادعاات ما باشد. TEDx۱۸/

# • ده‌کارترین کشورهای جهان کدامند؟

چین کمترین نسبت بدهی به اندازه اقتصاد خود را در بین اقتصادهای بزرگ جهان دارد. به گزارش اینپا، طبق اعلام سایت بدهی آمریکا، تا پایان ماه ژوئن، ایرلند بیشترین نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی را در جهان داشته است؛ به گونه‌ای که این کشور اکنون بیشتر از هفت برابر اندازه اقتصاد خود بدهی خارجی دارد. در ادامه با میزان بدهی کشورهای مختلف آشنا می‌شوید:



• **آمریکا**  
• جمعیت: ۳۳۳ میلیون و ۲۳۳ هزار نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: ۲۲ تریلیون ۲۱۷ میلیارد دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۱۳۶.۷۴ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۱۰۰.۰۹ درصد



• **چین**  
• جمعیت: یک میلیارد و ۴۴۲ میلیون نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: ۱۴ تریلیون و ۹۲۶ میلیارد دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۱۲.۹۵ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۵۴.۳۹ درصد



• **انگلیس**  
• جمعیت: ۶۸ میلیون و ۱۱۳ هزار نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: سه تریلیون ۲۵۷ میلیارد دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۳۲۰.۹۹ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۱۱۱.۴۲ درصد



• **ژاپن**  
• جمعیت: ۱۲۶ میلیون و ۳۴۷ هزار نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: پنج تریلیون و ۴۳۴ میلیارد دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۷۹.۸۴ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۲۳۳.۸۰ درصد



• **آلمان**  
• جمعیت: ۸۴ میلیون و ۱۰۶ هزار نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: سه تریلیون و ۷۶۴ میلیارد دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۱۷۳.۴۸ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۸۶.۲۹ درصد



• **فرانسه**  
• جمعیت: ۶۵ میلیون و ۳۳۷ هزار نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: دو تریلیون و ۶۹۲ میلیارد دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۲۵۵.۷۶ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۱۱۹.۸۸ درصد



• **سوئیس**  
• جمعیت: هشت میلیون و ۶۸۹ هزار نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: ۶۶۷ میلیارد و ۸۶۰ میلیون دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۱۰۱.۷۲ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۵۳.۲۴ درصد



• **کانادا**  
• جمعیت: ۳۷ میلیون و ۹۱۶ هزار نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: یک تریلیون و ۶۹۶ میلیارد دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۱۳۷.۸۰ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۱۱۳.۰۵ درصد

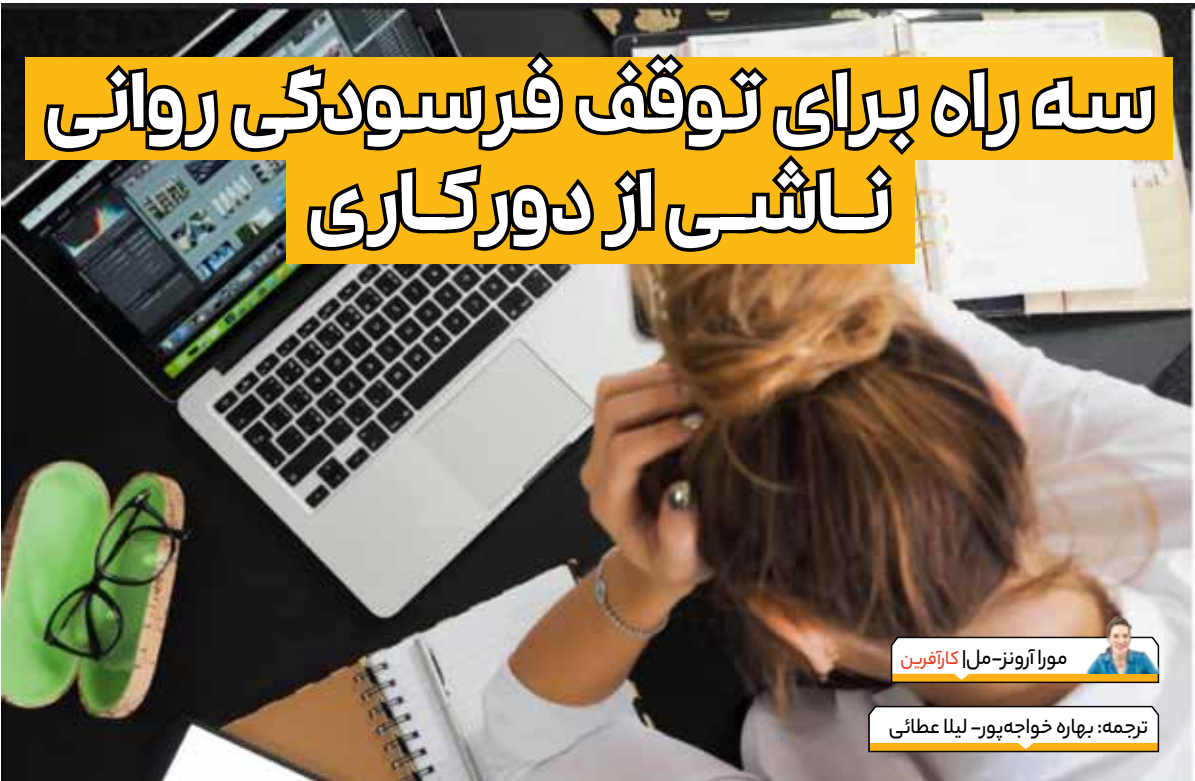


• **بلژیک**  
• جمعیت: ۱۱ میلیون و ۶۲۴ هزار نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: ۵۰۳ میلیارد و ۹۸۲ میلیون دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۳۰۶.۸۲ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۱۳۵.۴۲ درصد



• **هلند**  
• جمعیت: ۱۷ میلیون و ۱۵۳ هزار نفر  
• میزان تولید ناخالص داخلی در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن: ۸۱۸ میلیارد و ۶۶۶ میلیون دلار  
• نسبت بدهی خارجی به اندازه اقتصاد: ۶۰۰.۴۹ درصد  
• نسبت بدهی دولتی به تولید ناخالص داخلی: ۸۲.۴۱ درصد





ممکن است فکر کنید که کار کردن از راه دور آرزوی یک فرد درونگراست. شما در خانهٔ خودتان هستید، پشت یک کامپیوتر پنهان شده‌اید و احتمالاً پیژامه پوشیده‌اید. اما حقیقت آن است که برای بسیاری از افراد درونگرا، کار کردن از راه دور، نوعی کابوس شبانه است. این روزها که همه‌گیری خیلی از ما را از محل کارمان بیرون کرده است، ما تحت فشار شرایط جدید کار مجازی هستیم: کار طولانی مدت پشت کامپیوتر، از بین رفتن مرز میان کار و خانه، و تماس‌های تصویری

بی‌پایان. همان چیزهایی که کار مجازی را برای افراد درونگرا دشوار می‌کند، آن را برای همه دشوار می‌کند. به ویژه، بدترین قسمت کار مجازی، تماس‌های تصویری است. پشت دوربین قرار گرفتن، اجرای یک نمایش است. برنامه‌ریزی کارهای اجرایی بدون فکر قبلی به مثابه‌ی یک اجرای روی صحنه است؛ به مدت ۸ ساعت در روز. هیچ سر نخ کوچکی برای آنکه به شما کمک کند تا شرایط را بسنجید وجود ندارد. خیره شدن به سرهای بدون بدن بر صفحه مانیتور تنها یک شبیه

سازی ضعیف از ارتباط حقیقی انسان‌هاست. اضطراب اجتماعی تنها این مسئله را حادث می‌کند. زمانی که یک دوربین را روی صورت خود حس می‌کنید، کاملاً می‌تواند به اضطراب اجتماعی شما دامن بزند. عملکرد خوب، انرژی لازم دارد. پس کلید مدیریت کار مجازی آن است که از انرژی‌تان مراقبت کنید.

۱. به کارهای روزمره توجه کنید. هر قدر که از رفت و آمد خوشمان نمی‌آمد، آنها را کارهای روزانه ما بودند که کار و خانه را از یکدیگر جدا می‌کردند. و ما به آن

## رازهای یک فرانسرموفق

پاکو د لئون|موزیسین، فعال اقتصادی

من واقعا در پول در آوردن بد بودم. اوایل یک برنامه‌ریز مالی تازه کار بودم، و کارم کمک به مردم بود تا روش‌شان را مدیریت کنند. اما حقوقم آنقدر پایین بود که شروع کردم با دوچرخه سر کار بروم تا پول بنزین را صرفه‌جویی کنم و یک باغچه درست کردم تا برای غذا صرفه‌جویی کنم. اکنون یک مرکز حسابداری دارم که به طور ویژه در خدمت کسب‌وکارهای خلاق است.

ممکن است از کسی که قبلاً یک برنامه‌ریز مالی بوده عجیب به نظر برسد، اما من طرفدار سرمایه‌داری نیستم. تقریباً با هر کسی که کار می‌کنم و می‌شناسم و دوست دارم هنرمند است، همین‌طور خودم. پس نحوه عملکرد سیستم را می‌دانم، آزاد کاران و هنرمندان اغلب دستمزد بسیار کمی دریافت می‌کنند. آنها اغلب فکر می‌کنند تمرکز کردن روی پول خلایقیت آنها را از بین می‌برد، یا فکر می‌کنند برای به دست آوردن پول زیاد خوب نیستند.

اما واقعیت این است که ما می‌توانیم در آن خوب باشیم، و در واقع، مجبوریم که باشیم، چون آزادی ما در خطر است: آزادی ما تا چیزی بسازیم، تا تأثیر بگذاریم و از قدرت پول استفاده کنیم تا استثماری که به خاطر نداشتن سرمایه مانع شروع کار هنرمندان می‌شود تغییر دهیم. من دیگر مبارزه نمی‌کنم، و از زمان برنامه‌ریز مالی بودنم خیلی یاد گرفته‌ام، و می‌خواهم آن دانش را به اشتراک بگذارم. آنچه یاد گرفته و انجام دادم این است.

**یک:** چه کاری می‌کنید. وقتی کار شما مطرح می‌شود باید بتوانید به این سوالات پاسخ دهید: چرا شخصی باید شما را به جای دیگران

نیاز داشتیم. برای اکثر ما، همان زمان‌های کوتاه استراحت که در خلال ساعات کاری داشتیم، مثل تهیه یک فنجان قهوه یا صحبت با یکی از همکاران آنها هم از بین رفته است. این کارهای روزمره برای من فرصتی بود تا انرژی‌ام را جمع کنم، شخصیت کاری خودم را مرور کنم و افکار درونی‌ام را تنظیم کنم تا کار را آغاز کنم. خوب، چه طور می‌توان آن وقفه‌ها و مرزها را در خانه نیز ایجاد کرد؟ رمز آن این است که باید ارادی باشد. می‌تواند گوش کردن به موسیقی یا تغییر در روشنایی باشد، یا یک صحبت انرژی بخش با یک دوست. شما می‌توانید در اطراف منزلتان در ساعت مشخصی از روز قدم بزنید و یا حتی زمانی را برای تنفس یا حر کات کششی پیش از نشستن اختصاص دهید- به طور کلی، هر آنچه که لازم است تا حداقل فصل کار و خانه را برای شما مشخص کند.

۲. نیاز داریم سرعت، مکان و فضایمان را مدیریت کنیم. وقتی از سرعت حرف می‌زنیم می‌توان به مدیریت تعاملاتی اشاره کرد که از شما انرژی زیادی می‌گیرند ضد آنها که به شما انرژی می‌دهند. می‌توانید ویدئو کنفرانس‌های کمتری را برنامه‌ریزی کنید، زیرا حواستان باشد آنها اجراهای نمایشی هستند. می‌توانید پس از هر تماس ویدئویی، زمانی را برای استراحت و بازپایی انرژی اختصاص دهید. Oprah این کار را می‌کند. مشابه بسیاری از مجریان و مدیران اجرایی که درونگرا هستند. می‌توانید در طول روز به زمان دقت کنید. به این فکر کنید که چه زمان‌هایی معمولاً می‌توانید انرژی خود را متمرکز کنید و سایر زمان‌ها را به کار آرام اختصاص دهید.

در خصوص مکان، از دفتر کار خود استفاده کنید. تا به شما در ایجاد مرزهای مناسب کمک کند. حتی اگر میز کار شما در آشپزخانه است، شرایط را طوری تغییر دهید که احساس کنید دفتر کار شماست. در خصوص

زیبای کاغذهای فشرده شناخته شده است.

دو: برای چه کسی انجاش می‌دهید. پس از تعیین چیزی که شما را متمایز می‌کند دنبال مشتری ایده‌آل خود بگردید. برای موفقیت در این زمینه، باید تمرکزتان را محدودتر کنید. بدون تمرکز، سعی می‌کنید هر چیزی برای هر کسی باشید، و در نهایت هیچ چیز برای هیچ کس نخواهید بود. از زبانی استفاده کنید که برای مشتریان مقصد شما خوشایند است. از ابزار یا نمونه‌هایی برای بازاریابی که آنها را جذب می‌کند استفاده کنید. سپس در مکان‌های واقعی و مجازی که آنها هستند باشید. برای مثال، اگر شما یک فیلمساز هستید و می‌خواهید با شرکتهای ماموریت محور کار کنید که آب تمیز را به مکان‌هایی می‌آورند که کمیاب است، یک ویدئوی تبلیغاتی بسازید که نشان دهد قدرت فیلم باعث اقدام کردن مردم می‌شود.

**سه:** وقتی که صحبت از پول می‌شود، ارزش واقعی چیزی که ایجاد



## تاثیر انضباط اجتماعی در مقابله با کرونا

زهرة زاری

در احساس لزوم انضباط اجتماعی افراد مقابل تأثیر می‌گذارد. رفتارهای فردی ما تأثیرگذار است؛ حتی در فرهنگسازی» در این باره می‌توان به استفاده از ماسک از خانه تا خانه اشاره کرد که در تمام کشورها اجرا شد.

موضوع دیگر این است که انضباط می‌تواند فردی باشد یا جمعی، نظم فردی، شخصی و فقط در ارتباط با خود فرد مطرح است؛ مانند استفاده از مواد ضدعفونی کننده و شستن دست‌ها که کم کم به صورت عادت همیشگی آمده و نظم جمعی، نظم داشتن در قالب گروهی است، مثل رعایت فاصله اجتماعی. اما نظم و انضباط اجتماعی بسته به این که فردی باشد یا اجتماعی مدت زمان متفاوتی را دربرمیگیرد و گاه زمانبر است و به قول معروف یک شبه حاصل نمیشود و گاه ممکن است چندین نسل طول بکشد. بنابراین نیاز به برنامه مستمری دارد. مثل بستن مغازه‌ها و تعطیلی کسبه در مدت زمان نسبتاً طولانی.

از نظر جامعه‌شناسان انضباط اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین عناصر سرمایه اجتماعی است و ریشه در فرهنگ هر جامعه دارد و برای این که انضباط اجتماعی تبدیل به یک فرهنگ شود، دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی معتقدند که رعایت کردن نظم بیشتر براساس قرارداد، نفع و ترس و اجبار است و افراد با تطمیع، تهدید

فضا، هر روز زمانی را به خلوت اختصاص دهید. و شامل دور بودن از کودکانان نیز می‌شود. این واقعا کلید پیشگیری از فرسایش کاری است. ۳. و در نهایت، اگر مدیر هستید، شما یک نقش اساسی دارد تا به کارمندانان برای مراقبت از سرعت، مکان و فضای آنان کمک کنید. صحبت را حین تماس‌های تصویری مدیریت کنید. حتی از راه دور، افراد پر حرف برونگرا تمایل دارند بحث را در دست بگیرند. برای ساخت فضایی که همه بتوانند شنیده شوند دستور جلسه تهیه کنید، برای ارائه افراد قوانین تدوین کنید و طوفان فکری را به حداقل برسانید. طوفان فکری می‌تواند به اضطراب اجتماعی دامن زند و افراد درون گرا را بی انگیزه کند. در عوض، یک فضای اشتراکی ایجاد کنید که افراد بتوانند پیش از جلسه طوفان فکری ایده‌های خود را آن جابنویسند.

تماس صوتی را به تصویری ترجیح دهید. تحقیقات نشان می‌دهد که ما در حقیقت احساسات و کنش‌های رفتاری بیشتری را با صوت تنها منتقل می‌کنیم. برای صحبت‌های فرد به فرد که پیچیده‌تر و برانگیزاننده هستند راه‌های ارتباطی غیرهم زمان را امتحان کنید. شما می‌توانید از ایده Robert Glazer استفاده کنید: یک پیام صوتی یا تصویری که نقطه نظر خود را در آن شرح می‌دهید در گوشی خود ضبط کنید و برای همکار خود بفرستید. بدین ترتیب آنها می‌توانند در زمانی که برایشان مناسب هست، پاسخ دهند.

در کنار تمامی چالش‌های فعلی، ما یک فرصت داریم. کار مجازی قرار است با ما باقی بمانند، پس صرفا عادت‌ها و فرهنگ کاری قدیمی را به شرایط کار مجازی منتقل نکنید. چیز بهتری بسازید. و برای شروع، از افراد درون گرا در محل کار خود بپرسید که روز ایده آل آن‌ها چگونه است و راهنان را از آنجا بیابید. ted /

می‌کنید را درک کنید. شما قرار نیست تنها به خاطر زمانی که برای یک پروژه صرف کردید دستمزد بگیرید. شما برای تمام چیزهایی که یاد گرفته‌اید دستمزد می‌گیرید و هر کاری که در طول سالها انجام داده‌اید که شما را در کاری که انجام می‌دهیدعالی می‌کند. از خودتان سوالی بپرسید مثل: خدمت شما چگونه روی ترازنامه‌ی مشتری تأثیر می‌گذارد؟ چگونه مزیتی ایجادمی کنید که باعث صرفه‌جویی در هزینه می‌شود؟ مشتری شما چه مقدار پول می‌تواند از محصولی که شما به ساخت آنها کمک کرده‌اید کسب کند؟ برای مثال اگر شما یک آزادکار هستید که به ایجاد کنندگان یوتیوب کمک می‌کند تجارت‌تی شرت و کلاه را گسترش دهند، عنوان کنید به مشتری‌تان کمک کرده‌اید چقدر پول کسب کنند. یا اگر یک برنامه تمرین متنوع و جامع برای شرکت‌ها ایجاد کرده‌اید، در مورد این صحبت کنید که شرکت چقدر زمان و هزینه با خرید محصول شما به جای توسعه محصول خودشان صرفه‌جویی کردند.

**چهار:** مطمئن شوید قیمت شما شامل هزینه‌های مالیات، زندگی و سود شما می‌شود. وقتی یک آزادکار هستید، شما کسب و کار خودتان هستید، پس شما مسئول بازاریابی خود، حسابداری، مالیات، مسائل حقوقی، بیمه محل زندگی و سود خود هستید. اگر قیمتتان زیادی پایین باشد، شما از قیل بر علیه خودتان مذاکره کرده‌اید. و اگر یک مشتری محتمل در مورد قیمت شما تردید کند، عذرخواهی نکنید. فقط بگویید شما کسب و کاری را می‌چرخانید و توانایی انجام کار با مبلغ کمتر را ندارید.

به جای تخریب خلاقیت‌تان، تمرکز روی کسب پول بیشتر واقعا می‌تواند با دادن آزادی در انتخاب آن را ارتقا دهد. چون وقتی شما کار کافی با مشتری‌هایی که ارزش کار‌تان را می‌دانند به دست آورید، مجبور نیستید برای کار با مشتریانی که قدر آن را نمی‌دانند سازش کنید. ted /

### گوشه

انسان و جامعه انسانی داشته و تسلط کاملی بر منافع و مصالح مردم داشته باشد و با اجرای آن بیشترین فایده را به فرد و جامعه برساند و مشخص است که علم و آگاهی قانون گذار در کارآمدی قانون تا چه حد اثر گذار است. نظارت و کنترل بر اجرای دقیق مقررات و پروتکل‌های بهداشتی توسط افراد جامعه، جریمه کردن و برخورد قاطع با افراد خاطی و برهم زدن نگان نظم عمومی و... از جمله اقدامات دولت است.

از عوامل دیگری که در ایجاد انضباط اجتماعی نقش اساسی دارد، «اعتماد» است. اعتماد یعنی توکل، دلگرمی، وثوق و اطمینان. اولین شرطی است که برای تداوم و قوام روابط بین انسان‌ها لازم است. وقتی امنیت اجتماعی وجود داشته باشد، اعتماد خود به خود پدیدار می‌شود. بدون اعتماد هیچ انضباطی نمی‌تواند نهادینه شود و حتی می‌تواند منجر به قانون شکنی شود.

در نتیجه قانون شکنی و بی انضباطی اجتماعی باعث گسترش ناهنجاری‌ها، تشنج و پراکندگی و مهمتر از همه از بین رفتن زنجیره انضباط اجتماعی می‌شود و بحران پیش آمده را با شتاب هر چه بیشتر زیادت‌ر می‌کند. پس برای هر بحران به خصوص بحران کرونا باید انضباط اجتماعی را جدی گرفت و از به وجود آمدن فاجعه جلوگیری کرد تا این بحران را پشت سر گذاشت.





گزارشی از روستای قلعه‌چنغان در جنوب شرق اهواز

## زندگی در فقر و بیماری کنار لوله‌های نفت و کارخانه‌ی فولاد

به گزارش خبرنگار ایلنا، در امتداد لوله‌های نفتی و در مجاورت صنعت فولاد خوزستان مردمی زندگی می‌کنند که سهمشان از این مجاورت، تنها فقر است! روستای قلعه چنغان در جنوب شرق اهواز و در یک کیلومتری شرکت صنایع فولاد خوزستان قرار دارد. صنعتی که «بزرگترین عرضه‌کننده‌ی شمش فولاد و دومین قطب تولید فولاد خام در کشور» است اما به گفته‌ی برخی از مردمان قلعه چنغان از این همجواری نه بهره‌ای برده‌اند و نه کاری نصیبشان شده است. آن‌ها می‌گویند: «سهم ما از آلاینده‌های زیست محیطی شرکت فولاد خوزستان، تنها بیکاری‌ست.»

باور کنید ریزگردهایی که از تولید صنایع فولاد وارد خانه‌های ما شده، بچه‌های ما را مریض کرده است. این را یکی از اهالی

روستای می‌گوید.

به گفته‌ی رئیس مرکز بهداشت قلعه چنغان «آلودگی در این روستا به قدری زیاد است که در صد بالایی از مراجعه‌کنندگان به مرکز بهداشت بیماران تنفسی هستند.» او پیشتر در مصاحبه با یکی از خبرگزاری‌ها گفته بود: «تمام خوزستان درگیر معضل ریزگردهاست ولی مناطقی مانند قلعه چنغان اضافه بر این آلودگی کلی به دلیل مجاورت با صنایع فولاد، آلودگی بیشتری را تحمل می‌کنند. به‌ویژه وقتی هوا آلوده می‌بفتند و گردوغبار ضخیمه آن‌شود این وضعیت بسیار وخیم‌تر هم می‌شود.»

همنشینی در یک کیلومتری کارخانه‌ی بزرگ فولاد به جای آنکه امیدی باشد برای بهبود وضعیت اشتغال مردمان روستا، حسرتی شده در دل مردان جوانی که به حداقل حقوق هم راضی هستند و می‌خواهند برای چرخاندن چرخ زندگی کار کنند. «ما دود و آلاینده‌های این کارخانه را تحمل می‌کنیم ولی اکثر استخدام‌هایشان غیر بومی است. از استان‌های اصفهان و یاسوج و شهر کرد برای کار می‌آیند اما ما خودمان شغلی نداریم. اکثر مدیران غیر بومی هستند و معمولاً نیروهای خودشان را برای کار می‌آورند. من خوزستانی هستم و حق دارم اینجا کار کنم. مگر اولویت استخدام در صورت نیاز با نیروی بومی نیست؟» اینها را یکی از تجمع‌کنندگان مقابل کارخانه‌ی فولاد می‌گوید.

اگرچه صحبت از قوانین در سرزمینی که قانون از نگاه مجریانش برای اجرا نشدن نوشته شده(!) و عملاً هیچ ضمانت اجرایی وجود ندارد، بیراه به نظر می‌رسد اما به هر حال بر اساس ماده ۴۷ قانون پنج‌ساله‌ی برنامه‌ی ششم «کلیه دستگاه‌های اجرایی از

جمله وزارتخانه‌های نفت و نیرو و سازمان انرژی اتمی و بنگاه‌های اقتصادی نهاد‌های عمومی غیر دولتی مکلفند در طول اجرای قانون برنامه، در طرح‌های (پروژه‌های) خود و در شرایط برابر به پیمانکاران بومی واجد شرایط استانی اولویت دهند و در قرارداد با کلیه شرکت‌ها و پیمانکاران، اولویت با به کارگیری نیروهای بومی استانی (در شرایط برابر از نظر علمی و تجربی و با اولویت محل سکونت نزدیک‌تر) را درج و بر حسن اجرای آن نظارت کنند.» بنابر این قوانین به صراحت از اولویت استخدام نیروهای بومی می‌گویند اما آنچه اتفاق می‌افتد چیزی غیر از این است.

او همچنین می‌گوید: «حدود یک سال است که هر چند وقت یکبار اینجا مقابل کارخانه جمع می‌شویم و تقاضای کار در این کارخانه را داریم. هر دفعه به ما می‌گویند بروید و خوراک برای رسانه‌های بیگانه تأمین نکنید، ما خودمان صدایتان می‌کنیم. اما باور کنید حتی یکبار هم پیگیر ما نشده‌اند. به استانداری و فرمانداری رفتیم، نامه نوشتیم و حتی از نمایندگان مجلس هم کمک خواستیم اما خدا شاهد است کسی دلش به حال این مردم نمی‌سوزد.»

«مسئولیت اجتماعی صنایع» مجموعه وظایف و تعهداتی است که هر شرکت و یا کارخانه‌ای باید در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد اما آیا فولاد خوزستان چنین مسئولیتی را برعهده گرفته است؟ آیا در قبال گرفتن سلامتی و نفس ساکنان قلعه چنغان برای آن‌ها آورده‌ای هم داشته است؟

یکی از اهالی می‌گوید: «زمین‌های اطراف روستا بر اثر آلودگی کارخانه خراب شدند و دیگر محصولی نمی‌دهند. ما زیر خط فقر زندگی می‌کنیم. اکثر اهالی این روستا با بساطی و میوه فروش هستند و یا کارگر روزمزد بنایی، یک روز کار دارند و روز دیگر کار ندارند.»

«تخصص» احتمالاً مهم‌ترین بهانه برای به کار نگرفتن نیروی کار بومی است، اینکه چقدر این بهانه را می‌توان قبول کرد سوالی است که یکی از کارگران سابق کارخانه فولاد اینگونه به آن پاسخ می‌دهد: «در طول همین دو سه ماه گذشته حدود ۸۰ نفر به عنوان نیروی حراست جذب شده‌اند، آیا نیروی حراست تخصص می‌خواهد؟»

به گفته‌ی بسیاری از مردان جویای کار روستای قلعه چنغان، برای

کارهای مستمر کارخانه‌ی فولاد و شرکت‌های زیرمجموعه‌ی آن نیرو از شهرهای دیگر می‌آورند. ظاهراً پای نیروی کار ثابت که به میان می‌آید مثل خیلی از استخدامی‌های کشور، معیار اصلی نزدیکی به کارفرمایان است و نه نزدیک بودن به کارخانه‌ی فولاد. اگرچه سالهاست برای خیلی‌هایمان این موضوع به نظر طبیعی می‌آید و دیگر پذیرفته‌ایم که هر که وصل‌تر است بهره‌مندتر هم خواهد شد، اما در مورد مردمی که در فقر مطلق به سر می‌برند و تنها امیدشان به همین کارخانه‌ای‌ست که از دودش، نفس کم آورده‌اند و ربه از دست داده‌اند، بی‌انصافی محض است که نادیده گرفته شوند.

کارگر سابق کارخانه فولاد می‌گوید: «من قبلاً در فولاد خوزستان به صورت پروژه‌ای کار می‌کردم و تکنسین برق هستم. اصلاً خیلی از بچه‌های اطراف من که دنبال کار می‌گردند همه تحصیلکرده هستند و تخصص دارند اما از ما فقط برای کارهای موقت استفاده می‌کنند. نهایت دو تا سه ماه نیروی بومی برای یک پروژه می‌آورند؛ مثلاً برای تعمیرات سالانه نیاز به نیرو دارند که در آنجا از ما استفاده می‌کنند و بعد هم که کار تمام شد بیرونمان می‌کنند.»

«به بسیاری از ادارات و نهادها که مراجعه کنی؛ تنها چیزی که می‌گویند این است که پیگیری می‌کنیم» اینکه «پیگیری می‌کنیم» را بارها در جواب به کسانی گفته‌اند که تنها خواسته‌شان این است: «ما فقط می‌خواهیم یک لقمه نان به زن و بچه‌مان برسانیم. ما می‌گوییم حالا که سلامتی ما را گرفتید حداقل کار بدهید تا از گرسنگی و بیماری نمریم.» این تنها مطالبه‌ای‌ست که آن‌ها برایش فریاد می‌زنند غافل از آنکه ما همیشه در حال گذر از پیچ تاریخی بوده‌ایم و باید صدایمان را پایین بیاوریم!

روستای قلعه چنغان مثل خیلی از روستاهای دیگر این سرزمین محروم است و مردمش مثل خیلی از مردم دیگر این سرزمین در فقر مطلق به سر می‌برند. استان خوزستان را «مرکز تولید نفت و گاز ایران» می‌دانند اما چه سود وقتی مردمانش از آن بهره‌ای نمی‌برند و سهمشان از هیچ هم کمتر است؟ این چنین محرومیت و فقر و بیکاری آن‌هم برای مردمی که به قول خودشان بر روی لوله‌های نفت نشست‌اند، دقیقاً چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟

«ما در قلعه‌چنغان فقط زنده هستیم، زندگی نمی‌کنیم.»

## شالی کاری در وسط شهر گرگان در سایه افت شدید آب زیرزمینی

و باید به سمت کشت‌های جایگزین که برای کشاورز صرفه اقتصادی دارد، پیش رفت. به گفته وی باید محققان ارقامی که به خشکسالی و کم آبی مقاوم هستند و از سویی می‌تواند عملکرد قابل توجهی برای کشاورز داشته باشد را تولید و معرفی کرد.

در حالی که اکثر مدیران استانی کشت جایگزین برنج را یک راهکار برای ممنوعیت کشت برنج در استان عنوان می‌کنند اما تاکنون امکانات و شرایط لازم برای این تغییر در استان فراهم نشده است. از سویی همان مدیرانی که در برخی تربیون‌ها از برخورد با شالی کاران صحبت می‌کنند در عمل چشمان خود را به روی واقعیت‌هایی که اتفاقاً هر روز در مقابل چشمان آنهاست، می‌بندند.

این روزها در بلوار صیاد شیرازی، مسیری که اتفاقاً جزو مسیرهای پر تردد در سطح شهر گرگان محسوب می‌شود و حتماً گذر مدیران هم از این مسیر خورده است شاهد شالی کاری در اراضی وسیع آن هم در کنار خیابان اصلی هستیم اگر واقعاً کشت برنج در گلستان را ممنوع و جرم اعلام می‌کنید چرا در عمل اتفاق خاصی را از سوی مدیران شاهد نیستیم؟ چرا تکلیف مدیران گلستانی با خودشان و برنامه‌هایشان مشخص نیست؟

استاندار گلستان در جلسه پیشگیری از جرم استان به برخورد با مدیرانی که از بودجه عمومی استفاده اما در برخورد با فساد اغماض می‌کنند، گفت: در دوره تحول دستگاه قضایی اغماض و ملاحظه‌ای در برخورد با مفسدین اقتصادی وجود ندارد در واقع شناسایی گلوگاه‌های فساد و دستگاه‌های که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند به طور جد در دستور کار دستگاه قضایی استان است.

حال که در دوره تحول دستگاه قضا باید با مدیران خاطی که همواره چشمان خود را به روی مسائل و مشکلات می‌بندند برخورد جدی شود انتظار می‌رود برای رفع مشکلاتی از قبیل کم آبی که مشکل تمام استان محسوب می‌شود دستگاه‌های مختلف که در مدیریت و حفظ منابع آبی نقش دارند از جزیره‌ای رفتار کردن پرهیز و با یک راهکار اصولی که هم منافع کشاورز و هم منابع آبی استان حفظ شود کشت شالی در استان را مدیریت کنند. در غیر این صورت باید با مدیرانی که تنها به ممنوعیت کشت شالی تأکید می‌کند و جلوی چشمانشان اراضی وسیعی از شالی کشت می‌شود، برخورد جدی انجام شود.

صفرهفت

#### یک فرض و چند سوال

در باره‌ی عملکرد «استاد توانمندسازی محله‌های کم‌برخوردار»

گلی محمدی

در هفته‌های منتهی به انتخابات ریاست جمهوری گزارشی با عنوان «۱۰۰۰ جوان از محله‌های کم‌برخوردار استخدام می‌شوند» روی سایت خبرگزاری فارس منتشر شد که احتمالاً کمتر توجهی را به خود جلب کرد. به عنوان یک مخاطب احساسات متناقضی نسبت به آن داشتم و سوالات متعددی هم در ذهنم نقش بست که سعی می‌کنم طی همین یادداشت کوتاه بیان‌شان کنم. اما ابتدا باید خلاصه‌ای از آن گزارش را بازگو کنم.

گزارش درباره‌ی مراجعه‌ی ۱۰۰۰ جوان جویبای کار از محله‌ای کم‌برخوردار برای ثبت‌نام در آزمون استخدامی یک شرکت دانش‌بنیان است. جوانانی که در بین آنها دانش‌آموزان و کم‌توانان جسمی حرکتی هم حضور داشتند در یک سالن ورزشی به میزبانی «استاد توانمندسازی محله‌های کم‌برخوردار» و شرکت دانش بنیان «فن‌آورد» جمع شده بودند. ریاست این ستاد بر عهده‌ی علی آقامحمدی، عضو مجمع تشخیص مصلحت و رئیس گروه اقتصادی دفتر مقام معظم رهبری است که بنا به این گزارش از سال گذشته به شکلی «آتش به اختیار» طرح شناسایی و کمک به محله‌های کم‌برخوردار را در سراسر کشور کلید زده است. از حدود ۲هزار و ۲۰۰ محله‌ی شناسایی شده در این طرح در سطح کشور ۱۳۷ محله کم‌برخوردار در تهران قرار دارند. اجرای این طرح هم با کمک سازمان‌ها و نهادهایی مثل شهرداری، ستاد فرمان امام، هلال احمر، بهزیستی، اداره اوقاف، کمیته امداد و... انجام می‌شود. هر یک از نهاده‌ها مسئولیت تام برای رفع مشکلات اهالی محله را بر عهده می‌گیرد و دیگر نهادها به کمک می‌آیند. مثلاً مسئولیت محله «امامزاده یحیی» با کمیته امداد است و خانه‌ای هم به نام «امداد» برای رسیدگی و رصد مشکلات در نظر گرفته است. از اقدامات انجام شده طی این مدت هم به برگزاری کلاس‌های هنری رایگان، رنگ‌آمیزی دیوارهای محله‌ها، برگزاری مسابقات فوتبال اشاره شده و البته به گفته آقامحمدی قرار است به زودی از پروژه‌های بزرگی هم پردهبرداری شود.

ظاهراً وجه مثبت ماجرا رسیدگی به بخش‌های محروم، ایجاد اشتغال برای جوانان و همگرایی برخی نهادها برای باز کردن گره مشکلات است. فرض هم بر این است که نیت خیر است. اما سوال اینجاست که با توجه به دولتی یا حاکمیتی بودن نهادهای همکار در این طرح تأمین منابع این طرح‌ها به چه صورت است؟ با توجه به وضعیت بودجه‌بندی در کشور، از منظر حاکمیتی آیا بهتر نیست انجام این امور توسط سمن‌ها و با سرمایه‌ی خود مردم صورت گیرد؟ قصد بر منفی‌نگری نیست اما آیا همزمانی تقریبی آغاز به کار این ستاد با تعطیل شدن فعالیت‌های یک سازمان مردم نهاد چند ساله تصادفی است؟ از طرفی با توجه به مأموریت سازمانی شرکت «فن‌آورد» که «مجموعه رقابت‌های تخصصی مهارت‌سنجی» ذکر شده چه تناسبی بین این طرح و فعالیت‌های شرکت مذکور برقرار است؟ با توجه به مهم بودن مساله ایجاد اشتغال و از آنجا که ایجاد اشتغال هزاران نفری کار کوچکی نیست بهتر است درباره‌ی چگونگی تحقق این هدف و ابعاد آن تبیین‌های لازم صورت گیرد. البته شاید برای پاسخ به بخشی از این سوالات باید تا به ثمر نشستن «پروژه‌های بزرگ» یادشده صبر کنیم.



# بیسگیویت میلیونی شهر داری و بر از ندگی!

صابر صبر الہی

گذاشتن که قیمتش شده این؟ شکلات طلایی از دامنه‌های آلبی تهیه شده از شیر گاو طلایی هوم‌ی پاریس؟! یا بسته‌بندی شده با روکشی از حریرهای انگلیسی؟! جالبه که آقای دبیر کل اتحادیه اضافه کرده که این بیسکویت‌ها معادل یارانه دو سال اقشار آسیب‌پذیر جامعه است و غیررسمی وارد می‌شه و دولت هم حقوق گمرکی بابتشون دریافت نمی‌کنه! شفاف‌گر کنین این پیام انتها ندره!

## شهرداری و برازندگی!

دارن دیگه. هم دارن هم دوست دارن! قصه‌ی این عدد و رقم‌ها واقعا به جای جالبی رسیده. وقتی اوضاع به جوریه که بیسگوبیت یک و نیم میلیونی وارد می‌شه خب چرا برای «آماده‌سازی فریم اینستاگرامی» بالای ۵۰ میلیون از شهرداری نگیرن؟! شما رو نمی‌دونیم اما ما هنگییم! مونددیم از کجاش بگیریم. از کمپینی بگیریم که سر جمع پای پست اینیستااش ۱۰۰ تا ۲۰۰ لایک خورده؟! از لوگویی که حدود ۲۰ برابر قیمت تعرفه انجمن گرفته شده؟! به هر حال هر چیزی باید بگنجه دیگه. واقعا لایکی چند حساب کردن دوستان که به این عدد و رقم رسیدن اون هم با اون خورده‌هاش؟! البته این که طراح جماعت حق و حقوق شون جدی گرفته نمی‌شه، این که برای طراحی ملت پول نمی‌دن و کل یوم خلیلیا فکر می‌کنن که فکر کردن و ایده‌دادن مفت و مجانیه اینا سر جاش... بقول آقادیابی اُهی! اما خب این که تا می‌رسی به شهر و دولت و کشور و اینا بپهوانگار که به گنج رسیده باشی خیلی ستمه! شهرداری چی جماعت هم لاید یا اون وسطا چیزی می‌بره یا هم این که از تعرفه معرفه... هر جور که فکر می‌کنیم باز هنگ می‌کنیم! آخه مگه می‌شه n برابر تعرفه‌ی انجمن بگیرن و کسی هم ککش نگزه؟! این پولوا خوردن داره یا دادن؟! محض تفنن به نگاهی بددازین به لیست هزینه‌های فضایی کمپین تهران ۱۴۰۰ که کل یوم بالای یک و ۶۰۰ میلیارد آب خورده برای شهرمون! نوش جان همه جمیعا! و شما هم فکر کنین که این پیام همچنان انتها نداره!

اتحادیه بنکداران مواد غذایی خبر می‌رساند که بیسکوئیت‌های وارداتی یک میلیون و ۱۰۰ هزار تن در کشور مورد استقبال قرار گرفته و چه نشتید که یک و نیم میلیون شش هم داره می‌رسه! واقعا چی می‌شه گفت؟! از سیستان بگیم؟ از کولبر اگیم؟ از قطعی آب و برق و نت؟ بعد برسیم به واردات بیسکویت یک و نیم میلیون تومن آلمانی سوئسی فرانسوی انگلیسی؟! آخه چی مون به کجامون می‌آد؟! بعد تو این بیسکویتا چی



## بیس گویت میلیونی!

درسته که راضی مون افتضاح بود و شما که غریبه نیستید تا قبل از این که وارد عرصه سلطان‌زی در اقتصاد بشیم هم صفرهای هزار و میلیون به بالا رو باید دونه دونه می‌شمردیم تا ناقاطی نشه اما... تا این حد می‌دونستیم که دیگه قیمت بیسیگویی به میلیون نمی‌شه! اماخب این روزها کم‌کم فکر می‌کنیم که این ماییم که توهم زدیم و چیزایی که بقیه‌ی کارشناسا و اینا می‌گن درسته و شرایط جوویه که همونا می‌گن! شما فکر کن در شرایط تحریم و به قول رئیس‌جمهور جنگ اقتصادی و اینا تعداد میلیون‌های وطنی از کل منطقه که دبی و چسان و فیسان هم شامل شون می‌شه زده بالا! بعد از طرف دبیر کل

## سه تفاوت ایران و سوئیس



دکتر مجتبیٰ لشکر بلوکی | استراتژیست

زمانی در میدان مخبر الدوله دو تا ساعت بود که شهرداری نصب کرده بود، یکی رو به جنوب و یکی رو به شمال. این دو ساعت هیچ وقت نبود که با هم مطابق باشند، اغلب یکی دو دقیقه و گاهی یکی دو ساعت با هم تفاوت داشتند. خدا رحمت کند محمد مسعود را، در روزنامه مرد امروز نوشته بود: هر وقت این دو ساعت با هم میزان بشوند، کار مملکت هم میزان خواهد شد.

این نکته آن قدر ظریف بود که دهان به دهان می گشت و شهرداری چون دید که واقعا نمیتواند این نقص را رفع کند، برای رهایی از شمات مردم، آن ساعت ها و ستون ساعت را از میدان برداشت.

به عقیده من معجزه کشور سوئیس در بانکداری و ثبات اقتصادی آن نیست، در این که تورم در آن جا از همه کشورها کمتر است هم نیست، در بی طرفی نیست، در عدم شرکت در جنگ نیست، در عدم قبول عضویت در اتحادیه اروپا هم نیست، در آب و هوا و نظافت و لطافت و ادب مردم آن نیست، معجزه سوئیس در این است که بیش از پنجاه ساعت، با شکل و شمایل مختلف فقط و فقط در سالن فرودگاه آن است، و هیچ کدام از این ساعت ها حتی یک ثانیه با هم تفاوت ندارند. توفیق سوئیس در همین امر جزئی ما را آگاه می کند چنین ملت هایی می توانند معجزه سیاسی و اقتصادی هم داشته باشند.

## تعهد به چرخه

- ارایه برنامه مشخص مکتوب (و نه حرف های پرانکنده شفاهی مبهم)
- اجرای مبتنی بر برنامه (و نه هر روز هر کاری به ذهن مون رسید انجام دهیم)
- پایش سیستماتیک و یادگیری (سنجش انحراف بین برنامه مکتوب و نتایج اجرا و تحلیل انحراف ها)
- گذار از فرهنگ شفاهی به مکتوب (فرهنگ شفاهی بسیار مستعد سه چیز است: فراموشی، ابهام و زیر تعهدات زدن)

## تبدیل وعده ها به تعهد

آیا تربیت نسل توسعه آگاه /آفرین، تنها مسیر و سریع ترین مسیر توسعه است؟ جواب هر دو قطعاً خیر است. اما به دلایلی که قبلاً گفته شده، برخی مسیرهای توسعه در ایران محدود و مسدودند بنابراین باید از روزه هایی که باقی مانده استفاده کرد. نیلوفرآبی، توکرآسی، مشق شب و تربیت نسل آتی چهار استراتژی توسعه ایران هستند.

## تحلیل و تجویز راهبردی:

آنچه خواندیم نوشته استاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تاریخ پژوه و ادیب معاصر است. هر چند بدیهی است که منظورشان این نبوده که اگر روزی روزگاری تمام ساعت های ایران دقیق باشند و یک عدد را نشان بدهند، همه مشکلات ما بر طرف می شود. اما به نکته ظریفی اشاره کرده و روی مساله مهمی انگشت گذاشته.

ما در ایران اکنون با یک نسل توسعه خواه و روبرو هستیم که حسرت و آرزوی توسعه را دارد. اما باید از نسل توسعه خواه عبور کنیم به نسل توسعه آگاه (۲۵٪ جامعه ایران) و نسل توسعه آفرین (۳٪ جامعه). ویژگی برای نسل توسعه آگاه/آفرین وجود دارد که یکی از این پنج ویژگی انضباط (دیسپلین) است. احتمالاً همه ما کلمه دیسپلین را شنیده ایم. اما به چه جامعه ای با دیسپلین می گوئیم؟ جامعه ای که به این مثلث طلابی احترام بگذارد: زمان-قاعده-برنامه.

زمان محترم باشد. تفاوت هفت و هفت و پنج دقیقه کاملاً در کد و بدانی که یک اختلاف ۳۰۰ ثانیه ای بین همین دو وجود دارد.

قاعده محترم شمرده شود. یعنی آنکه تصمیمات و اقدامات ما بر اساس یک مبنای مشخص، معقول و مقبول باشد و سلیقه و هیجان، فامیل / قوم / سالاری، پارتی بازی، هم حزبی گری، بر شئون جمعی ما تأثیر نگذارد.

قاعده سالاری یعنی بیش بینی، پذیرنی آینده و یعنی کاهش هزینه های

کانون وکلای را دارند از استقلال می اندازند.

در انتخابات نظام پزشکی چهره‌های شاخص و معتبر را رد صلاحیت کرده‌اند.

برای تضعیف و خفیف کردن نهادهای نظام صنفی خیز برداشته‌اند.

دیگر صدای صنفی را هم بر نمی‌تابند، چه برسد به سیاسی و اجتماعی. این آسیاب به نوبت است، نوبت دیگران هم می‌شود.



درام سلطانی  
فعال اقتصادی

حالا قطعی برقی را حس می‌کنید؛ ولی قطعی آموزش و تأثیری که بر بدبختی‌های آتی این مملکت خواهد گذاشت را نه. آموزش و پرورش با این حجم از نیروهای خسته، بی‌انگیزه، ندانم کار در حال رقم زدن قطعی‌های آینده برق و آب و گاز و... است.

این ادعا را با خون خودم گواهی می‌کنم.

امضا: مدیر مدرسه



مرتضی کیا

